

نارسانی ساختاری در لجستیک

صفحه ۸



طرح «تهران تا ۱۴۲۶» کلید خورد



مکتبیس ماشه ۶قطننامه شورای امنیت را علیه ایران بازگرداند که با توافق برجام در سال۱۳۹۴ معلق شده بود. بازگشت تحریم‌های سازمان ملل باری بر تحریم‌های آمریکا اضافه کرد؛ درحالی‌که بسیاری فکر می‌کنند که چون تحریم‌های آمریکا اعم از تحریم‌های اولیه و ثانویه آن برای مدتی علیه ایران بوده، بنابراین تحریم‌های شورای امنیت تاثیر چندانی نخواهند داشت؛ زیرا بر اساس تحریم‌های ثانویه آمریکا اگر کشوری تحریم‌های آمریکا را اجرا نمی‌کرد، از فعالیت در بازار آمریکا محروم می‌شد و بنابراین بسیاری از بنگاه‌ها در دنیا وجود داشتند و دارند که کاری بسا بازار آمریکا ندارند و به راحتی می‌توانند با وجود تحریم‌های آمریکا با ایران کار کنند، مثل پالایشگاه‌های کوچک در چین که نفت ایران را می‌خریدند و هنوز می‌خرند؛ زیرا آنان فعالیتی در بازار آمریکا ندارند که مورد جریمه آمریکایی‌ها قرار گیرند.

تحریم‌های شورای امنیت این‌چنین نیست، تمام کشورهای که عضو سازمان ملل هستند موظفند که تحریم‌های مصوب شورای امنیت را اجرا کنند و البته این بحث وجود دارد که اگر اجرا نکنند، چه می‌شود؛ زیرا سازمان ملل قدرت اجرایی جدی برای تنبیه مستقیم ندارد. این برداشت درستی از مقررات سازمان ملل نیست، در داخل سازمان ملل برای کشورهایی که از تحریم‌های مصوب شورای امنیت متابعت نمی‌کنند، فضا سخت‌تر می‌شود و فعالیتشان در داخل سازمان ملل محدود می‌شود و ممکن اسست مجازات‌هایی تحت فصل۷ منشور سازمان ملل مشمول حال آنان شود.

بخصوص وقتی که تنبیهی به‌دلیل سرپیچی از نادیده گرفتن فصل هفتم باشد که متاسفانه ایران هم در ذیل این فصل قرار دارد. درست است که هیچ‌گاه ماده۴۲ فصل۷ در مورد ایران اجرایی نشد که نیاز به حمله نظامی را تایید کند، ولی ماده۴۱ خود تحریم‌های گسترده‌ای را توصیه کرده و اجرایی شده و بنابراین کشوری که در ذیل فصل هفتم قرار دارد، برای صلح جهانی خطرناک قلمداد می‌شود. در شرایط فعلی بسیار دشوار خواهد بود که هر یک از این قطعه‌نامه‌ها را مجددا معلق کنیم؛ بنابراین کشور بار سنگینی را در آینده بر دوش خواهد شید.

مشکلات گسترده تحریم‌های جدید به علاوه تحریم‌های آمریکا با اروپا کاملاً در حیطه مسئولان سیاسی است و روابط بین‌الملل کشور را بیش از گذشته تحت‌تاثیر قرار خواهد داد و صرفه‌جویی زیاد می‌توان در همین شرایط اصلاحاتی محدود ولی مهم را به‌وجود آورد، مانند یکپارچه کردن بودجه کشور، می‌توان خزانه‌های متعددی را که در کشور وجود دارند، تماماً تحت حاکمیت یک بودجه در آورد. این امر به خارج از کشور ربطی ندارد و تحریم‌ها مابقی بصرای آن نخواهند بود و بسیار کمک می‌کند تا سازمان‌دهی مالی مملکت بهبود پیدا کند و تخصیص منابع بهتر انجام شود.

اطلاعات شفاف‌تری از داشته‌ها و نداشته‌های کشور در اختیار قوه مجریه قرار گیرد و تصمیم‌گیری‌ها را بهبود بخشد یا می‌توان سازمان‌های موازی را در هم ادغام کرد و به دنبال آن در هزینه‌ها صرفه‌جویی کرد. شاید بتوان مقداری از کسر بودجه را هم کاهش داد، با وجود اینکه با کمی‌دهایی که از این پس به‌وجود خواهد آمد بودجه کشور تحت فشار بیشتری قرار خواهد گرفت و احتمالاً زایش نقدینگی سریع‌تر خواهد شد. اگر بودجه‌های متفاوت به یک بودجه تبدیل نشود، ممکن است قدری از سرعت افزایش نقدینگی جلوگیری کند و در نتیجه تورم رشد کمتری خواهد داشت و مردم کمتر تحت فشار قرار خواهند گرفت.

همچنین می‌توان در این اثنا بازنگری در قوانین مزاحم برای فعال شدن اقتصاد را در دستور کار قرار داد یا سامانه‌های پراکنده را که مشکلات عدیده برای کارآفرین‌ها به‌وجود آورده است، هماهنگ کرد و در این میان استقلال دانشگاه‌ها را به آنان بازگرداند تا بستر رشد علمی روان شود یا مهم‌تر از همه قوانین مزاحم کسب‌وکار را شناسایی و تصحیح کرد و آخرین موضوع تکنرخی کردن ارز که بسیار مهم و تاثیرگذار است و مورد تایید کارشناسان است. توجه داشته باشیم که تکنرخی کردن ارز مقولهای جدا از استقرار یک نرخ در بازار ارز است. نرخ واحد ارز زمانی می‌تواند استمرار یابد که عرضه و تقاضای ارز آزاد شود، یعنی ارز به صورت آزاد در بازار عرضه و تقاضا شود. به عبارت دیگر زمانی تک‌نرخی کردن ارز تحقق می‌یابد که عرضه‌کنندگان ارز و تقاضاکنندگان ارز هر دو آزادانه در بازار فعالیت کنند و بانک مرکزی سیاست‌های خود را از طریق ابزارهای قانونی در اختیار، چون عملیات بازار باز با اعمال یابد، یعنی قیمت‌گذاری نکنند و البته دولت در عرضه ارز نفت نیز به همین ترتیب عمل کند.

در این صورت در بازار نرخ تعیین خواهد شد که بهینه خواهد بود و بهترین تخصیص منابع را خواهد داشت؛ ولی اگر ارز در انحصار دولت باشد و دولت بخواهد قیمت‌گذاری کند که هم‌اکنون می‌کند و به بازار ارز اجازه فعالیت ندهد، تکنرخی کردن امکان‌پذیر نخواهد بود. تکنرخی کردن بدون ایجاد بازار رقابتی ارز پایدار نمی‌ماند، به علاوه جامعه نمی‌تواند افزایش نرخ ارز را برای کالاهای اساسی، دارو و لوا تحمل کند. قبل از آنکه درآمدهای خانوارها افزایش یابد، بنابراین قبل از تکنرخی شدن لازم است درهای تجارت و صنعت و خدمات باز شوند تا درآمد افراد افزایش یابد و آن‌گاه می‌توان به تدریج ارز را تک نرخ کرد. در غیر این صورت، جامعه با بحران‌های غیر قابل کنترلی مواجه می‌شود.

حرکت به سمت همگرایی ارزی

هر دو تالار اول و دوم ارزی مرکز مبادله ایران در حال فعالیت است و در هر کدام، گروه‌های مشخصی از در حال....

صفحه ۲

کنترل ترافیک بادوربین‌های کور

این عدم کار آیی، عدم کنترل هوشمند جریان تردد خودروها و موتور سیکلت‌ها در خیابان، باعث...

صفحه ۴

قفل دولتی بر صادرات معدنی

در شرایطی که کمبود ارز به یک مشکل جدی در اقتصاد تبدیل شده، دولت با اعمال مالیات...

صفحه ۶

طرح «تهران تا ۱۴۲۶» کلید خورد

کریم حسن پور – دست‌های از بنایان وضع موجود تهران، در آستانه دور جدید انتخابات مدیر یت شهری، این روز‌ها در نقش منتقدان وضعیت موجود ظاهر شده‌اند.

«تهران آینده چگونه خواهد بود؟» پاسخ‌های اولیه به این پرسش در جلسات مقدماتی طراحی نقشه جامع تهران مطرح شده‌است. «تهاد تهران» که از اواخر دهه ۸۰ به مدت ۹ سال با دستور رئیس وقت شورای‌عالی شهرسازی در وضعیت تعلیق قرار داشت، اخیراً با ساختاری متفاوت فعالیت خود را از سر گرفته و ماموریت تدوین و ارائه نسخه جدید طرح جامع تهران را برعهده دارد. این نهاد به‌عنوان ضامن اجرای طرح جامع و تفصیلی، وظیفه جلوگیری از انحرافات مدیریت شهری را بر عهده دارد و عملاً نقش پلیس طرح جامع تهران را ایفا می‌کند. این نهاد پیش از تعلیق، زیرمجموعه شهرداری محسوب می‌شد که این وابستگی منجر به «تعارض منافع» در کارکرد این نهاد شده‌بود. از آنجا که بخش قابل‌توجهی از درآمد شهرداری از محل عوارض ساختوساز تأمین می‌شود، این وابستگی زمینه تعدیل برخی احکام و ضوابط را فراهم می‌کرد، در نتیجه نهادی که متولی پایش اجرای کامل سند بالادست اداره تهران یعنی طرح جامع بود، دربرابر پاک‌شدن خطوط قرمز طرح جامع و تفصیه شهرداری در کمیسیون ماده۵ مدیریت شهری در تهران از محل عوارض فروش تراکم با جهش قیمت مواجه‌شده، درحالی‌که در بسیاری از کشورهای جهان، تولید مسکن مشمول عوارض سنگین نیست و درآمد پایدار شهرداری‌ها از محل بهربرداری ساختمان‌ها تأمین می‌شود، نه از تولید آنها.

با ازسرگیری فعالیت این نهاد، رئیس آن دیگر توسط شهرداری انتخاب نمی‌شود و تعارض منافع پیشین برطرف شده‌است. اکنون رئیس «تهاد تهران» به‌صورت مستقل تعیین می‌شود و وزارت راه و شهرسازی، شهرداری و شورای‌شهر در فرآیند انتخاب آن نقش دارند. طرح جامع و تفصیلی تهران که در سال‌های گذشته بهجای خدمت به توسعه مطلوب خدمات شهری، عمدتاً به ابزاری برای تأمین منابع مالی بودجه اداره شهر تبدیل شده‌بود، قرار است در سند جدید، بار دیگر به ماموریت اصلی خود بازگردد.

بررسی ۶ مساله تهران در سند جدید

با پایان دوره طرح جامع فعلی و آغاز تدوین نسخه جدید، «تهاد تهران» مامور تهیه «طرح جامع تهران تا ۱۴۲۶» شده‌است. در نخستین گام، ۶ مساله کلیدی شهر تهران شناسایی‌شده که قرار است مبنای تصمیم‌گیری در سند جدید قرار گیرد. این مسائل شامل آلودگی هوا، ترافیک، ناکارآمدی‌های مدیریتی در اداره شهر، نبود مدیریت یکپارچه میان تهران و حومه، تاب‌آوری ضعیف شهر دربرابر حوادث غیرمترقبه بر اساس تجربه جنگ ۱۲روزه و بحران کم‌آبی است. برای نمونه، در حوزه مدیریت آب، در طرح جامع مصوب سال۱۳۸۴ پیش‌بینی شده‌بود که تا سال۱۳۹۵ میزان تلفات آب در شبکه به صفر برسد؛ هدفی که محقق نشد، از این‌رو یکی از محورهای اصلی طرح جامع جدید، تعیین تکلیف تلفات بالای ۳۰درصدی شبکه آب‌شرب است. برآوردها نشان می‌دهد اگر در دهه ۹۰ تلفات آب به صفر می‌رسید، حجم آب ذخیره‌شده در سدها امروز حدود ۳۰درصد بیشتر بود و تهران با بحران فعلی کم‌آبی مواجه نمی‌شد. در همین راستا، تدوین «سند اقلیم» در کنار طرح جامع جدید در دستور کار قرار گرفته‌است.

در شرایطی که حدود ۵۰درصد از درآمدهای مدیریت شهری به عوارض تولید مسکن و ساختمان وابسته است و نگاه به طرح جامع و

روزنامه سراسری اقتصادی، اجتماعی

سه شنبه ۷ بهمن ۱۴۰۴

۷ شعبان ۱۴۴۷| ۲۷ ژانویه ۲۰۲۶

شماره ۸۵۱

۸۰۰۰ تومان



زنگ بورس در دست معاون اول



اتصال کارت سوخت به کارت بانکی



رحمتی در محمه

تفصیلی عمدتاً نگاه درآمذایی برای بودجه‌داره شهر بوده، یکی از اقدامات پیش‌بینی‌شده در طرح جامع جدید، تدوین «سند مالیه شهر» است. هدف این سند، ایجاد سقف درآمدی مشخص برای اتکای بودجه‌شهرداری به عوارض تولید مسکن و ساختمان در یک بازه ۲۰ساله است؛ اقدامی که می‌تواند از تغییرات گسترده طرح تفصیلی و اثرات تورمی عوارض فروش تراکم بر قیمت زمین و مسکن جلوگیری کند. در همین چارچوب، نشست روز گذشته نهاد راهبری و پایش طرح‌های توسعه شهری تهران در شورای شهر، به بررسی بازنگری طرح جامع تهران و چگونگی مشارکت شهروندان در تدوین سند جدید اختصاص داشت؛ نشستی که در آن، نقش و سهم مشارکت طراحی آینده پایتخت موردبحث و بررسی قرارگرفت.

رابطه مشارکت مردم با تحقق اهداف طرح جامع

مهدی چمران، رئیس شورای‌شهر تهران و عضو شورای‌عالی نهاد تهران معتقد است؛ برنامه جامع تهران باید در همان سال‌های ابتدایی شکل‌گیری، به‌طور جدی اجرا و برای عموم معرفی می‌شود، اما سال‌ها از آن زمان گذشته و این اتفاق به‌درستی رخ نداده‌است. اگر از همان ابتدا مردم در جریان جزئیات طرح قرار می‌گرفتند و امکان اظهارنظر و مشارکت داشتند، طرح جامع می‌توانست کامل‌تر و کارآمدتر اجرا شود. از امروز به بعد، این برنامه باید در اختیار متخصصان، مردم و همه صاحب‌نظرانی قرار بگیرد که در اداره و آینده شهر تهران نقش دارند. او با اشاره به ماهیت طرح جامع تهران توضیح داد: این طرح از ابتدا با افق زمانی ۲۰ساله طراحی شد، اما به این معنا نیست که یک سند خشک و غیرقابل‌تغییر باشد. شهر یک موجود زنده است که هر روز به‌تغییر می‌شود و این تغییرات مستقیماً بر زندگی مردم اثر می‌گذارد، بنابراین طرح جامع باید به‌گونه‌ای تدوین می‌شد که امکان اصلاح و به‌روزرسانی مستمر را داشته‌باشد؛ موضوعی که در زمان تدوین، با استفاده از آخرین دستاوردهای علمی و دانشگاهی دنیا مدنظر قرارگرفت. در سال‌های ابتدایی اجرای طرح، کمیسیون ماده۵ نقش فعالی در به‌روزرسانی و اصلاح آن داشت. اعضای این کمیسیون ساعت‌ها و روزها برای بررسی پیشنهادها وقت می‌گذاشتند. بیش از ۶۰۰ پیشنهاد از مناطق شهرداری و سایر مراجع به کمیسیون ارسال می‌شد و همان‌جا با حضور همه اعضا، اصلاحات جزئی و دقیق انجام می‌گرفت. بسیاری از این مصوبات به افزایش یا تثبیت فضای سبز مربوط می‌شد یا به تدقیق خطوط طرح جامع اختصاص داشت.

به گفته او در برخی موارد، املاک در دو پهنه مختلف قرار داشتند یا مرزهای طرح نیاز به اصلاح داشت که مسائلی از این دست در کمیسیون ماده۵ بررسی و اصلاح می‌شد. حتی موضوعاتی مانند تعریض معابر، از جمله نمونه‌ای که اخیراً درباره خیابان کمیل مطرح شد، بر اساس دلایل شهرسازی مورد بازنگری قرارگرفت و مشخص شد که تعریض در بخش میانی ضرورتی ندارد. این روند تا سال‌ها ادامه داشت و معمولاً در پایان هر سال، مجموعه اصلاحات طرح جامع به‌صورت یکجا بررسی و اعمال می‌شد، اما پس از پایان دوره چهارم شورای‌شهر در سال۱۳۹۶، این سازوکار عملاً متوقف شد، درحالی‌که بارها تأکید شده‌بود پیشنهادهای مناطق شهرداری و سایر نهادها جمع‌آوری و بررسی شود تا اصلاحات لازم در چارچوب قانون انجام گیرد. چمران با انتقاد از کاهش مشارکت عمومی در اجرای طرح جامع تأکید کرد: طرح جامع زمانی می‌تواند به‌درستی اجرا شود که مشارکت مردم به‌عنوان پایه اصلی اجرای آن جدی گرفته شود. هرقدر هم شهرداری تلاش کند، اگر مشارکت موثر مردم وجود نداشته‌باشد و نگاه غالب صرفاً بر تأمین منابع مالی و سودآوری متمرکز شود، طرح جامع به نتیجه مطلوب نمی‌رسد؛ موضوعی که در سال‌های گذشته نیز شاهد آن بوده‌ایم. او در ادامه به وضعیت تخلفات ساختمانی اشاره کرد و گفت: امروز با انبوهی از پرونده‌های تخلف در کمیسیون ماده ۱۰۰ مواجه هستیم. در حال‌حاضر، حدود ۵۷هزار رای اجرا نشده در این کمیسیون وجود دارد و این عدد بسیار قابل‌توجه است. از این میان، حدود ۷هزار مورد مربوط به تخلفات جدی شهرسازی است؛ ساختمان‌هایی با ۲۰ تا ۳۰ طبقه که از ابتدا به حریم خیابان تجاوز کرده‌اند و بخشی از معبر عمومی را تصرف کرده‌اند. در چنین مواردی، نه جریمه کارساز است و نه امکان اصلاح واقعی وجود دارد؛ تخریب شهری رخ داده و عملاً کاری از دست ما برنمی‌آید. چمران تأکید کرد: اگر اطلاعات طرح جامع به‌صورت عمومی در دسترس مردم قرار گیرد و شهروندان برای مشارکت در اجرای آن تشویق شوند، قطعاً با حجم کمتری از تخلفات ساختمانی مواجه خواهیم شد. البته عددهای برای دستیابی به منافع مالی بیشتر، به‌ویژه در حوزه بسازوبفروشی، همواره به‌دنبال افزایش تراکم و تخلف هستند.



طرح جامع فعلی تهران که در سال۱۳۸۴ با افق زمانی ۲۰ساله اکران شده بود، اکنون به‌طور رسمی به پایان رسیده

فرارسیده‌است.

♥ عامل اصلی تورم در ۱۴۰۴

لامعی در گفت‌وگو با برنامه میز اقتصاد رسانه ملی با بیان اینکه در تحلیل بازار ارز، لحاظ نمودن هم‌زمان بازار رسمی و بازار غیررسمی الزامی است، بیان کرد: هر یک از این بازارها دارای مولفه‌هایی هستند که منابع و مصارف ارزی و به تبع آن، هر دو سمت عرضه و تقاضا را در هر دو بازار رسمی و غیررسمی تحت‌تأثیر قرار می‌دهند. او با تأکید بر اینکه در زمان حاضر، در سمت مدیریت تقاضا در بازار رسمی با چالش‌هایی مواجه هستیم که می‌توان آن را «عدم تناسب با شرایط اقتصاد کلان کشور» نامید، گفت: بدین معنا که مصارف ارزی باید متناسب با میزان دريافتي‌ها و وصولی‌هایی باشد که در ابتدای سال و بر اساس قانون بودجه، توسط دستگاه‌های متولی در بودجه ارزی برآورد شده و بر همان مینا مصارف ارزی لحاظ می‌شود.

لامعی با اشاره به اینکه دو گروه کالایی جهت تأمین ارز وجود دارد، بیان کرد: گروه اول، گروه کالاهای اساسی است که مبنای پرداخت و نرخ مورد عمل برای آن را قانون بودجه تعیین می‌کند. به بیانی دیگر، در تبصره یک قانون بودجه مشخص می‌شود که بابت کالاهای اساسی، دارو و تجهیزات پزشکی در طول یک سال چه مقدار ارز باید تأمین شود و با چه نرخ‌ی مورد عمل قرار گیرد.

در این بخش، برای بودجه سال ۱۴۰۱ حدود ۱۱میلیارد یورو در نظر گرفته شده است که معادل حدود ۱۳میلیارد دلار برآورد می‌شود. این میزان باید به تعرفه‌ها و کالاهای اختصاصی یابد که توسط دولت تعیین شده و امکان قیمت‌گذاری بر آنها وجود دارد. در این قسمت به هیچ عنوان عقیف‌فادگی وجود ندارد؛ یعنی طبق برنامه زمانی پیش‌بینی شده برای سال و بر اساس وصولی‌های دریافت شده در بانک مرکزی از محل درآمدهای سهم دولت، اقدامات لازم جهت تخصیص و تأمین ارز صورت گرفته و عقیف‌فادگی نداریم.

او افزود: تنها وقفه‌ای که در این بخش اتفاق افتاد، مربوط به فاصله زمانی میان استفاده از ابزار پرداخت و واریز وجوه به حساب بود. در عرصه نقل و انتقالات ارزی، دو عبارت «وصول» و «استفاده از ابزار پرداخت» وجود دارد. هنگامی که از ابزار پرداخت استفاده می‌شود، وجوه باید به حساب ذی‌نفع نهایی واریز شود تا از آن طریق، کالا ارسال شده و در بازار داخلی توزیع و پخش شود. در ماه‌های گذشته، مقداری وقفه در این قسمت ایجاد شده بود که با تلاش بانک مرکزی و از طریق ابزارهای در اختیار، این موضوع تا حدودی مدیریت شد تا زمان میان‌دستور پرداخت و کارسازی به حساب ذی‌نفع برطرف شود.

مدیر اداره پایش بازار ارز بانک مرکزی خاطرنشان کرد: در بخش کالاهای اساسی که اصطلاحاً نرخ ۲۸۵۰۰ تومان نامیده می‌شود، طبق جدول زمان‌بندی مشترک با دستگاه‌های متولی از جمله وزارت صنعت، معدن و تجارت، وزارت جهاد کشاورزی و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، تخصیص‌ها انجام شده و بانک مرکزی نیز نسبت به تأمین آن اقدام می‌کند، لذا در این بخش مشکلی وجود ندارد.

لامعی با اشاره به اینکه مورد دوم مربوط به سایر اقلام کالایی به جز کالاهای اساسی است که تحت عنوان اقلامی شناخته می‌شوند که عرضه و تقاضای آنها در مرکز مبادله ارز و طلای ایران انجام می‌گیرد، گفت: در آنجا بخش عمده ارز مورد نیاز این اقلام توسط سایر صادرکنندگان (به غیر از نفت) تأمین می‌شود. بانک مرکزی نیز بر اساس نقش بازاریاری که در قانون بانک مرکزی برای آن پیش‌بینی شده است، متناسب با شرایط عرضه و تقاضانسبت به عرضه ارز اقدام کرده و همواره در صورت وجود کسری در بازار، نسبت به تأمین آن اقدام می‌کند. در آن بخش نیز با چالشی مواجه هستیم که به دو دسته تقسیم می‌شود: بخش اول، خروج از سیستم برگشت ارز و ناشی از ناترازی‌های ایجاد شده در اقتصاد از جمله ناترازی انرژی است.به موجب این امر، بخشی از تولید و شرکت‌های صادراتمحور، به‌ویژه شرکت‌هایی که نیاز مبرمی به انرژی برای تولید و صادرات محصول خود داشتند، دچار مشکل شدند و در فصل تابستان وقفه‌ای در فعالیت آنها ایجاد شد. طبیعتاً با وقوع این رویداد، جریان وجوه ارز دچار وقفه شده و تا حدودی با صف تخصیص و تأمین ارز در بازار مواجه می‌شویم. این بخش بر تولید و صادرات شرکت‌های مذکور اثرگذار بوده است.او بخش دوم را «برگشت ارز حاصل از صادرات» عنوان کرد و افزود: این بخش مربوط به مواردی است که با کارتهای بازرگانی اجرائی صورت می‌گرفت. بانک مرکزی از دو سال گذشته تعاملاتی با وزارت صنعت، معدن و تجارت داشت تا نحوه صدور این کارتهای مدیریت‌شده، مباحث نظیر سابقه، سقف صادرات و موارد مشابه، محدودتهایی بود که سازمان توسعه تجارت و وزارت صنعت، معدن و تجارت وضع کردند. اخیراً نتایج مذاکرات دو ساله مبنی بر اینکه کارتهای مذکور منجر به ایجاد شبهه عدم بازگشت ارز می‌شود به ثمر نرسست و در ماه گذشته فرایندهای پیش‌بینی شده برای مدیریت کارتهای بازرگانی اجرائی انجام شد.مدیر اداره پایش بازار ارز بانک مرکزی در ادامه خاطرنشان کرد:صادرکنندگانی بودند که کالا را به مرز منتقل می‌کردند و قصد داشتند با کارتهای اجرائی صادر کنند، اما کارت بازرگانی آنها منقضی شده بود و وزارت صنعت، معدن و تجارت به عنوان متولی مربوطه آن کارتها را ابطال کرده بود. درباره میزان جریان ورود ارز به بازار بر اساس میزان صادرات در این عرصه که عمدتاً صادرات خرد است، برآوردهای مختلفی انجام می‌شود که حدود پنج تا ده درصد تجارت خارجی ما را در برمی‌گیرد. این میزان در سنوات مختلف متفاوت بوده است. این بخش از تجارت که با استفاده از کارتهای اجرائی انجام می‌شد و منجر به مرسدوسداری کارتهای توسط وزارت صنعت شد، موجب شد که این جریان ارزی وارد نشود.



حرکت به سمت همگرایی ارزی

مریم لطفی : «هر دو تالار اول و دوم ارزی مرکز مبادله ایران در حال فعالیت است و در هر کدام، گروه‌های مشخصی از صادرکنندگان و واردکنندگان در حال معامله انواع ارز هستند.»

«هر دو تالار اول و دوم ارزی مرکز مبادله ایران در حال فعالیت است و در هر کدام، گروه‌های مشخصی از صادرکنندگان و واردکنندگان در حال معامله انواع ارز هستند.» روز شنبه، سخنگوی مرکز مبادله ایران همراه با اعلام نرخ از هر دو تالار، این جمله را بیان کرد که نشانی از پیگیری هدف تعمیق معاملات در تالار دوم است. به نظر می‌رسد، عزم جدی برای تعمیق معاملات تالار دوم در مرکز مبادله، گام آغازین برای اصلاح تدریجی نظام چندنرخ‌ی ارز است. در حال حاضر سه بازار اصلی برای مبادلات ارزی در اقتصاد ایران وجود دارد. به طوری که معاملات ارزی یا در تالار اول، یا تالار دوم و یا در بازار آزاد در جریان هستند. در حال حاضر، شکاف بین نرخ ارز در تالار اول و دوم ۴۴ درصد و شکاف بین تالار دوم و بازار آزاد ۲۰ درصد ثبت شده است. صاحب‌نظران اقتصادی معتقدند سیاستگذار موظف است به سمت کاهش شکاف میان نرخ ارز در این سه بازار و همگرایی ارزی حرکت کند. دلیل این مهم آن است که با همگرایی ارزی چالش‌های حال حاضر نظام ارزی کشور، اعم از توزیع رانت و جلوگیری از تخصیص بهینه منابع، رشد فساد و عدم بازگشت ارزهای حاصل از صادرات، کاهش خواهد یافت. مرکز مبادله ایران از انتهای هفته گذشته نرخ ارز در تالار دوم را به صورت رسمی اعلام می‌کند. با این حال هنوز به صورت رسمی از حجم معاملات این دو تالار به تفکیک پرده‌برداری نکرده است. طبق آخرین بررسی‌های «دنیای اقتصاد» به طو حاضر به طور تقریبی نسبت حجم معاملات در تالار اول و دوم مرکز مبادله، ۶۰ به ۴۰ است. یعنی ۶۰ درصد معاملات بیشتر مربوط به صنایع بزرگ است در تالار اول و ۴۰ درصد که بیشتر به صنایع خرد و سرفصل خدمات مربوط است با نرخ تالار دوم در حال انجام است.

کاهش شکاف ارزی

طبق اعلام اصغر بالسینی، سخنگوی مرکز مبادله ایران شنبه ۲۹ آذرماه، در تالار اول، حواله دلار با نرخ ۷۶ هزار و ۲۵۵ تومان مورد معامله قرار گرفت؛ حواله دلار تالار دوم و اسکناس دلار ارز خدماتی نیز ۱۰۹ هزار و ۷۲۲ تومان است. بر این اساس، نرخ تالار اول که ابتدای هفته گذشته در کاتال ۷۱ هزار تومان قرار داشت، حالا به کاتال ۷۶



ضرورت رفع انحصار از واردات برنج

آینده تولید خودروهای چینی با تحریم‌های تازه، دره‌الهی از ابهام قرار گرفته است. خودروسازانی که طی یک دهه گذشته با رشد چشمگیر تولید، به بازیگران اصلی عرضه تبدیل شده‌اند، اکنون میان ماندن و ترک بازار ایران بر سر دو راهی قرار دارند. آیا در تعادل بازار تغییر ی حاصل خواهد شد؟ گزارش اخیر بلومبرگ در مورد شیوه حضور خودروسازان چینی در ایران به‌رغم تحریم‌های بین‌المللی در روزهای اخیر با حواشی و واکنش‌های قابل‌توجهی همراه بوده است. در واقع در این گزارش در مورد مسیرهای حضور این خودروسازان در ایران رمزگشایی شده است. حال پرسشی که اهمیت پیدا می‌کند این است که با وجود بازگشت دوباره تحریم‌های شورای امنیت و همچنین علنی شدن شیوه‌های دور زدن تحریم‌ها آیا بازمهم چینی‌ها حاضر به ادامه فعالیت در ایران خواهند بود؟

برای پاسخ به این پرسش باید هزینه و فایده این خودروسازان از حضور در بازار ایران را مرور کنیم. این خودروسازان بخش قابل‌توجهی از بازار خودروی کشور را به خود اختصاص داده‌اند، سهم شرکت‌های چینی از این بازار طی سال‌های اخیر رشد قابل‌توجهی را نیز تجربه کرده است. مرکز پژوهش‌های مجلس در گزارشی که چندی پیش منتشر شد، از رشد سهم حدود سه برابری خودروسازان خصوصی طی ۸ سال گذشته خبر داد. به‌طوری‌که از سهم ۸ درصدی در سال ۱۳۹۵ به سهم ۲۴ درصدی در بازار خودرو تا سال ۱۴۰۳ دست پیدا کرده‌اند. از طرف دیگر به واسطه سیاست‌های اجرایی در کشور و همچنین تحریم‌های بین‌المللی و مشکلات ارزی، در بخش میانی هرم تقاضای خودرو در ایران، چینی‌ها به نوعی انحصار خودروهای مونتاژی را در دست دارند. علاوه بر این سیاست‌های اجرایی مانند تخصیص ارز عموماً در جهت حمایت از این گروه است. بنابراین بازار خودروی ایران بازار کم‌سودی برای این شرکت‌ها نیست.

اما هزینه حضور آنها نیز قابل چشم‌پوشی نیست. بلومبرگ در گزارشی که به آن اشاره کردیم و با عنوان «خودروهای چینی در برابر مس ایرانی؛ چگونه تحریم‌ها تهاتر را احیا کردند» منتشر شده، به ریسک‌های حضور یک شرکت چینی در ایران پرداخته است. در این گزارش آمده است فعالیت‌های این شرکت در ایران، روسیه و کوِبا باعث شده که برخی از سرمایه‌گذاران بین‌المللی از خرید سهام این شرکت بors هنگ‌کنگ صرف‌نظر کنند. همچنین این شرکت در عرضه اولیه سهام خود در هنگ‌کنگ مجبور شده که وعده‌هایی در مورد خروج از این بازارها دهد و اعلام کرده است تا پایان سال ۲۰۲۴، فعالیت‌های خود را در ایران و کوِبا متوقف کرده و متعهد شده است تا سال ۲۰۲۷، حضور خود در روسیه را نیز به سطحی «تانیجی» کاهش دهد. بنابراین ضربه به ارزش سهام شرکت‌ها موردی نیست که به راحتی از کنار آن عبور کنند و قطعاً در تصمیم‌گیری‌های آتی آنها تأثیرگذار خواهد بود.

از طرف دیگر برخی خودروسازان چینی در بازارهای جهانی اعتبار قابل‌توجهی دارند و استراتژی‌هایی را نیز در راستای افزایش آن طراحی کرده‌اند. برخی از این شرکت‌ها برنامه‌هایی برای افزایش حضور خود در بازارهای اروپا و آمریکا را در دستور کار خود دارند.

دهی در خصوص اقدامات انجام شده برای کاهش رانت و افزایش شفافیت در این بازار، افزایش یافت. از سوی دیگر انتقاداتی هم به این اقدامات منتشر شد. برای مثال برخی فعالان اقتصادی اعلام کردند که اقدامات جدید انجام شده در مرکز مبادله ایران، به شکل‌گیری بازار سیاه و دریافت مبالغی تحت عنوان «زیرمیزی» برای اتصال خریدار و فروشنده در تالار دوم مرکز مبادله برای معاملات مستقیم، منجر شده است.

مرکز مبادله ایران در پاسخ به این ادعا، تأکید کرد که روش «معامله مستقیم» اساساً به درخواست خود اتاق بازرگانی و برای تجاری که یکدیگر را می‌شناسند راه‌اندازی شده و طرح ادعای واسطه‌گری در این روش بی‌معناست. اصغر بالسینی، سخنگوی مرکز مبادله ارز و طلای ایران ضمن رد موضوع شکل‌گیری بازار سیاه، ابعاد فنی و اجرایی معاملات در تالار دوم را این‌گونه تشریح کرد:

«در تالار دوم ارزی، ما با یک روش واحد مواجه نیستیم، بلکه دو روش معامله وجود دارد: «معاملات مستقیم» و «معاملات غیرمستقیم». درک تفاوت این دو، پاسخ بسیاری از ابهامات را روشن می‌کند. در معاملات مستقیم، دو بازرگان (صادرکننده و واردکننده) با شناخت از یکدیگر و توافق قبلی معامله را انجام می‌دهند؛ یعنی ثبت معامله و انتقال ریال در مرکز مبادله صورت می‌گیرد، اما طرفین توافق می‌کنند که ارز را خودشان به یکدیگر برسانند بنابراین در این میان واسطه‌ای وجود ندارد و بانک عامل در انتقال ارز نقشی ندارد.

اما در معاملات غیرمستقیم که بازرگان طرف معامله مشخصی ندارد یا مراجعه به تالار معاملات غیرمستقیم نرخ مدنظر خود را سفارش گذاشته و سامانه، بهترین قیمت را برای او پیدا می‌کند. بنابراین بازرگان اختیار دارد که اگر طرف مقابل خود را می‌شناسد و به او اعتماد دارد از معاملات مستقیم استفاده کند و الا در تالار معاملات غیرمستقیم سفارش گذاری کند. بنابراین در بخش تالار معاملات غیرمستقیم، طرفین معامله همدیگر را نمی‌شناسند و سامانه جورسازی معاملات را انجام می‌دهد و بنابراین داللی ممکن نیست؛ در بخش تالار معاملات مستقیم نیز که معامله با آشنایی قبلی طرفین اتفاق می‌افتد و واسطه‌ای در بین نیست.»

سخنگوی مرکز مبادله ایران در ادامه توضیحات خود تأکید کرد که روش «مستقیم» اساساً پیشنهاد خود اتاق بازرگانی بود. او توضیح داد: «کنته قابل تامل اینجاست که ایجاد امکان «معامله مستقیم» در تالار دوم، بنا به درخواست و پیشنهاد اتاق بازرگانی اجرایی شد. استدلال اتاق بازرگانی این بود که برخی صادرکنندگان و واردکنندگان سال‌های متمادی با هم کار کرده‌اند و یکدیگر را می‌شناسند، پس اجازه داده شود که این افراد بتوانند ارزشان را مستقیماً با هم مبادله کنند تا امکان جابه‌جایی ارز راحت تر و سریع تر اتفاق بیفتد.

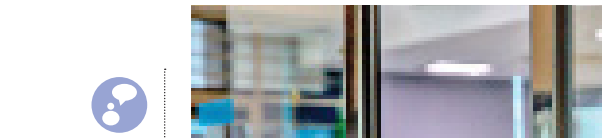
وقتی فلسفه روش مستقیم این است که «طرفین همدیگر را می‌شناسند»، دیگر وجود واسطه و دلال برای وصل کردن آنها به هم چه معنایی دارد؟ اگر کسی مدعی است که برای پیدا کردن طرف مقابل باید پول بدهد، یعنی طرف را نمی‌شناسد؛ خوب در این صورت راهکار ساده است: باید به سمت معاملات غیرمستقیم از طریق سامانه برود. بنابراین ادعای دریافت مبلغ اضافه در روشی که پیش‌فرض آن شناخت طرفین است، بی‌معنی است.»

بنابراین به نظر می‌رسد انتقادات وارده‌شده به عملکرد ارزی مرکز مبادله که تنها بستری برای اجرای قوانین بالادستی است، با افزایش آگاهی نسبت به فرآیندها و گذر زمان قابل رفع است. با این حال همواره اعلام شده است که افزایش شفافیت می‌تواند به عنوان یک محرکه اصلی حرکت فعالان اقتصادی به سوی بازارهای رسمی در نظر گرفته شود.

تأکید بر پیگیری برگشت ارز حاصل از صادرات

موضوع افزایش بازگشت ارز حاصل از صادرات به کشور در حال حاضر مهم‌ترین دغدغه سیاست‌گذاری ارزی است. اهمیت این موضوع آن است که کاهش نرخ بازگشت ارز حاصل از صادرات هم تأمین ارز مورد نیاز واردات را با اختلال مواجه می‌کند و هم توان سیاستگذار برای مدیریت نوسانات ارزی را تضعیف کرده است. طبق اعلام معاون ارزی بانک مرکزی، در سال ۱۴۰۳ حدود ۱۸میلیارد دلار عدم بازگشت ارز ثبت شده و این رقم در سال ۱۴۰۴ تاکنون به حدود ۹میلیارد دلار رسیده است. پرونده این افراد نیز به مراجع قضایی و ذی‌ربط ارسال شده است. بر این اساس، از ابتدای سال ۱۴۰۳ تاکنون، بیش از ۲۷میلیارد دلار ارز صادراتی به چرخه رسمی اقتصاد بازنگشته است. این رقم تقریباً معادل درآمدهای نفتی کشور طی یک سال است. به طور کلی تصمیم‌گیری درباره بازگشت ارز، محدود به بانک مرکزی یا یک نهاد نیست، بلکه کار گروه بازگشت ارز متشکل از یازده دستگاه اجرایی است و تصمیمات به‌صورت جمعی و بین‌بخشی اتخاذ می‌شود. بر همین اساس، روز گذشته، وزیر اقتصاد در بورس تهران، اعلام کرد که این وزارتخانه در حال پیگیری بحث عدم بازگشت ارز است.

بسیاری از کارشناسان اعلام کرده‌اند که کاهش بازگشت ارز حاصل از صادرات موجب شده، توان تأمین ارز بانک مرکزی برای واردات کاهش یابد. طبق آخرین آمارهای رسمی، از ابتدای سال جاری تا ۲۵ آذرماه، ۴۲میلیارد و ۶۱۳میلیون دلار ارز برای واردات انواع کالاهای اساسی، دارو، محصولات صنعتی و خدمات توسط بانک مرکزی تأمین شده است. این در حالی است که از اول فروردین ماه تا ۲۶ آذر ماه سال گذشته ۵۰میلیارد و ۶۰۸میلیون دلار ارز برای واردات کالاهای اساسی، دارو، کالاهای تجاری و بازرگانی و خدمات تأمین شده بود.



طبق اعلام

اصغر بالسینی، سخنگوی مرکز

مبادله ایران شنبه

۲۹ آذرماه، در تالار

اول، حواله دلار

با نرخ ۷۶ هزار و

۲۵۵ تومان مورد

معامله قرار گرفت.

رئیس سازمان بازرسی کشور بر ضرورت بازرسی و کنترل انحصار در واردات و توزیع برنج تأکید کرد. به گزارش خبرگزاری مهر، ذبیح الله خدائیان افزود: ما به‌عنوان دستگاه نظارتی موظف به بررسی عملکرد نهادهای مسوول تنظیم بازار هستیم. یکی از نکاتی که همواره به آن تأکید کرده‌ایم، موضوع ثبت‌سفارش واردات برنج است. واردات برنج با ارز ترجیحی ۲۸۵۰۰ تومانی انجام می‌شود.

خدائیان گفت: در شرایطی که واردکننده با ارز ترجیحی اقدام به ثبت‌سفارش می‌کند، موظف است برنج وارداتی را با قیمت مصوب و یارانه‌ای در کشور توزیع کند. اما در عمل شاهد توزیع برنج با قیمت‌های بالاتر از نرخ مصوب در سطح بازار هستیم که این مساله جای نگرانی دارد. وی ادامه داد: یکی از ایراداتی که به عملکرد مسوولان وارد کردیم این بود که مشخص نکرده‌اند تا چه میزان ثبت‌سفارش را باید بپذیرند. طبق اعلام وزارت جهاد کشاورزی، ثبت‌سفارش‌ها تا سقف ۱۱۰ درصد نیاز کشور انجام می‌گیرد، اما زمانی‌که این سهمیه تکمیل می‌شود و برخی ثبت‌کنندگان اقدام به واردات نمی‌کنند، کمبود در بازار ایجاد می‌شود.

خدائیان تأکید کرد: باید زمان مشخصی برای ثبت‌سفارش‌ها تعیین شود. مثلاً اگر ۶ ماه زمان در نظر گرفته شده، این مدت به چهار ماه کاهش یابد. اگر واردکننده در این مدت اقدام به خرید و واردات نکرد، ثبت‌سفارش او باطل و فرصت به سایر واردکنندگان داده شود. وی با انتقاد از انحصار در واردات برنج گفت: نباید طراحی سامانه به گونه‌ای باشد که فقط واردکنندگان عمده و قبلی بتوانند ثبت‌سفارش انجام دهند. این رویه به انحصار منجر می‌شود و واردات را محدود به چند نفر خاصی می‌کند.

رئیس سازمان بازرسی کشور در پایان گفت: اگر برنج وارداتی از زمان ورود به کشور، از طریق انبار تا مرحله عرضه به فروشگاه و مصرف‌کننده نهایی به درستی رصد و کنترل شود، قطعاً شاهد کاهش تخلفات و عرضه با قیمت واقعی خواهیم بود. این نظارت هم باید از سوی جهاد کشاورزی انجام شود و هم فروشگاه‌هایی که ارز یارانه‌ای گرفته‌اند باید پاسخگو باشند.

دو راهی خودروسازان چینی



کارخانه تولید خودروهای چینی در استان گوانگ‌دونگ، چین.

ادامه همکاری با کشورهای دیگر تحریم و به طور مشخص ایران، کوِبا و روسیه می‌تواند موضوع دیگری که می‌تواند یکی از مهم‌ترین موانع ادامه فعالیت چینی‌ها در بازار و صنعت خودروی ایران باشد، موضوع اساسی فعالسازی مکانیسم ماشه است. این مکانیسم که بر پایه قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل تعریف شده، این امکان را به یکی از طرف‌های برجام می‌دهد که در صورت نقض تعهدات توافق از سوی ایران، تمامی تحریم‌های پیش‌روی امنیت را احیا کند. موضوعی که در اوایل ماه جاری اجرایی شد تا کار برای صنایع کشور از جمله صنعت خودرو سخت‌تر شود.

با عملی شدن این مکانیسم، وضعیت همکاری‌های بین‌المللی ایران به‌شدت دشوارتر می‌شود. برخلاف چندسال اخیر که تحریم‌ها عموماً از طرف آمریکا اعمال می‌شد، این بار ماجرا به شورای امنیت بازمی‌گردد که طرف چینی هم قدرت چانه‌زنی و حتی عدم تمکین کمتری دارد. فعال‌سازی دوباره تحریم‌های سازمان ملل، به معنای قطع گسترده‌تر روابط بانکی، محدودیت در تبادلات مالی و افزایش فشارهای سیاسی و اقتصادی بر کشور است. در چنین شرایطی ادامه فعالیت خودروسازان چینی هزینه زیادی را برای آنها به همراه خواهد داشت. کم‌اینکه قیلا هم با شروع دور دوم تحریم‌ها بسیاری از شرکت‌های چینی بازار خودروی کشور را ترک کردند.

موضوع دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد ادعاهای شرکت‌های چینی مبنی بر سهم کم بازار خودروی ایران از مجموع فروش آنها است. یکی از این خودروسازان که از قضا حضور پررنگی هم در ایران دارد اعلام کرده که در سه سال گذشته، ایران و کوِبا هر کدام کمتر از نیم درصد از درآمد سالانه شرکت را به خود اختصاص داده‌اند. در مقابل، بازار روسیه در سال ۲۰۲۳ بیش از ۲۵،۵ درصد از کل درآمد این خودروساز چینی را تشکیل داده بود. اگر این ادعا درست بوده و سهم ایران از کل فروش یکی از مهم‌ترین خودروسازان چینی که در ایران هستند، تنها نیم درصد باشد، این پرسش مطرح می‌شود که آیا آنها این میزان فشارهایی که به آن اشاره کردیم را تحمل خواهند کرد؟

♥ بازی جایگزین

حجم مینا در زمان یکی از موفق‌ترین و متخصص‌ترین مدیران تاریخ بورس ایران معرفی شد، با علم به اینکه راهکاری موقتی برای برخی مشکلات است و قرار نیست بیش از دو دهه ادامه یابد اما پس از دوران ریاست وی و با وجود تمام تغییرات گسترده در بورس ایران، تصویب قانون مهم بازار اوراق بهادار در سال ۱۳۸۴، تأسیس سازمان بورس و… حجم مینا پایدار ماند، هر چند در گذر زمان سعی شد اندکی تعدیل شود یا در مورد برخی ابزارها، برخی سهام در بازارهای خاص و… اعمال نشود، اما در عمل قسمت اعظم بازار همچنان تحت‌تاثیر آن بود تا امروز؛ عملاً فارغ از نقاط قوت و ضعف حجم مینا و منطق نهفته در پس آن و این موضوع که آیا این منطق هنوز معنا دار است، و اگر معنا دار است در ارتباط با کدام سهام و تحت کدام شرایط؟ مهم‌ترین عامل روانه شدن سبیل انتقادها به سمت حجم مینا ماهیتی نبوده و صرفاً به این دلیل بوده که حداقل در اکثر بازارهای اوراق بهادار توسعه‌یافته در سطح جهان چنین سازوکاری وجود ندارد.

حداقل سه دلیل مهم برای عدم نیاز به حجم مینا در زمان حاضر در مقایسه با ابتدای دهه ۲۰می‌توان ذکر کرد:

۱- مکانیسم‌های خودجوش و درون‌بازاری جایگزین حجم مینا

مقررات و قوانینی که طی حداقل یک دهه گذشته در ارتباط با افزایش معامله‌پذیری سهام از طریق توسعه بحث بازارگردانی، ایجاد صندوق‌های تخصصی در این زمینه، الزام به بازارگردانی در برخی سهام خاص وضع شده عملاً راهکاری بوده جهت حذف علت ایجاد مفهوم حجم مینا، از طریق بهبود مکانیسم عرضه و تقاضا با کمک ابزارها و سازوکارهای جدید بدون نیاز به مقررات محدودکننده و مختل‌کننده (حجم مینا از آن دسته مقرراتی است که بیش از آنکه محدودکننده باشد مختل‌کننده بازار و تعادل آن است).

۲- ظرفیت‌های جایگزین قانونی مقابله با

دستکاری

اگر حجم مینا را به عنوان ابزاری جهت جلوگیری خودکار و سیستماتیک از دستکاری قیمت سهام مدنظر قرار دهیم، باید ببینیم که این ابزار از هوشمندی کافی برخوردار نبوده و در بسیاری موارد از ایجاد تعادل قیمتی در بسیاری سهام و حتی کلیت بازار جلوگیری کرده است، در تمامی این سال‌ها ابزارهای قانونی نظیر ابطال معاملات و… موجود بوده که تا حدی می‌تواند از برخی تخلفات آشکار و شدید که یکی از آنها دستکاری قیمت است جلوگیری کند، لذا عملاً وجود این راهکارها نیز یکی از دلایل کاهش نیاز به سازوکار حجم مینا است.

۳- رسه زیرساخت‌ها

موضوع زیرساخت‌ها در چند بعد قابل اشاره است:

الف) زیرساخت‌های معاملاتی که باعث سهولت انجام معامله و افزایش دسترسی اشخاص و بالا بردن سرعت دسترسی شده و همین افزایش حجم معاملات و کاهش توان یک گروه محدود در دستکاری قیمت و مهم‌تر از آن سرعت واکنش فعالان بالقوه و بالفعل به هر نوع دستکاری قیمتی و انجام معاملات جبرانی، نیاز به حجم مینا را کاهش داده است. (در این راستا ایجاد الگوریتم‌های خصوصی شناسایی موارد احتمالی دستکاری قیمتی و آلارم‌دهی به فعالان بازار جهت مداخله سریع و خودجوش شاید بهتر از نظارت مستقیم نهادهای بالادستی و دستکاری بازار باشد.)
ب) زیرساخت‌های دانشی با کمک اینترنت و شبکه‌های اجتماعی و نهادهای مالی متعدد تأسیس شده از جمله سبدگردان‌ها و شرکت‌های پردازش اطلاعات مالی و… باعث افزایش سطح دانش فعالان بازار و دسترسی به اطلاعات شرکت‌های بورسی شده و مسوولیت نهادهای ناظر و سازمان بورس را در قبال هر نوع دستکاری احتمالی بالادستی و دستکاری کاهش می‌دهد.

اثر حجم مینا بر بازی بزرگان

از دیدگاه نظریه بازی‌ها وجود حجم مینا که هزینه تأثیرگذاری بر قیمت را بالا می‌رساند استثنایی برای «اثر گذاری اثرگذار» یا «low-cost signaling» به راز یک بازی costly signaling تبدیل می‌کند، حذف حجم مینا هزینه دستکاری قیمت (منظور هر نوع تغییر و جابه‌جایی قیمت است و نه لزوماً آن نوع دستکاری قیمت که طبق قانون خلاف و مشمول مجازات است) را کاهش می‌دهد و اثرگذاری سفارش‌های کوچک را بالا می‌برد و در ظاهر باعث افزایش قدرت معامله‌گران خرد در برابر بزرگان بازار می‌شود، اما در عمل بیشتر به نفع معامله‌گران حرفه‌ای است که می‌توان آنها را به دو دسته معامله‌گران حرفه‌ای سنتی و نوسان‌گیران و بازیگران سریع بازار و معامله‌گران حرفه‌ای مدرن مبتنی بر الگوریتم و معاملات کوچک و متعدد High-frequency-like strategies تقسیم کرد، در کل تعادل با نفع بازیگران معطف و چابک که توان اجرای استراتژی‌های متنوع و مختلط را دارند افزایش می‌یابد.

در طرف مقابل بازندگان اصلی نیز در میان همین معامله‌گران خرد هستند، معامله‌گران خرد غیرحرفه‌ای، چرا که در کل فعالان خرد بازار اغلب price-taker هستند نه price-maker

و لذا قیمت را سیگنال ارزشمند معتبر فرض می‌کنند و همان‌طور که گفتیم از آنجا که حذف حجم مینا هزینه دستکاری قیمت را کاهش می‌دهد نوسان و دستکاری قیمتی باعث ارسال سیگنال‌های اطلاعاتی غیر معتبر (یا حداقل کمتر

برای هدایت این منابع به چرخه مولد تأکید کرد. پیوند بازار سرمایه با تولید واقعی، اولویت دولت است و بورس باید پیش‌تاز حمایت از صنایع پیشران، شرکت‌های دانش‌بنیان و پروژه‌های ملی باشد تا بهره‌وری و اشتغال پایدار افزایش یابد. به‌طور کلی، عارف ثبات در سیاست‌گذاری و در قانون‌گذاری، جلب‌اعتماد مردم، حکمرانی اقتصاد و تنظیم‌گری، افزایش بهره‌وری و اشتغال، شفافیت، پیش‌بینی‌پذیری سیاست‌ها، سلامت بازار و برخورد جدی با تخلفات را به‌عنوان اصلی‌ترین راهبردهای دولت در راستای حمایت از بازار سرمایه برشمرد و تأکید کرد؛ با پیگیری سیاست‌های صحیح، بازار سرمایه می‌تواند و باید به تکیه‌گاه اقتصادی کشور تبدیل شود.

فساد و رانت؛ نتیجه بدیهی قیمت‌گذاری دستوری

سیدعلی مدنی‌زاده، وزیر امور اقتصادی و دارایی هم در این مراسم حضور یافت و با بیان اینکه دولت شش‌پنانه‌روز در حال بررسی چالش‌های اقتصادی و راهکارهای برون‌رفت از شرایط فعلی است، تأکید کرد؛ دولت موضوع اقتصاد را رها نکرده است. وزیر اقتصاد محورهای اصلی برنامه دولت را کنترل ارز و تورم، تولید و سرمایه‌گذاری و معیشت و اشتغال اعلام کرد و از برنامه‌های کوتاه‌مدت بانک‌مرکزی برای کنترل بازار ارز، اصلاح تالارها و مدیریت تقاضاهای سفته‌بازانه خبر داد. راه‌اندازی صندوق‌های ارزی، انتشار اوراق مارجاه ارزی و گواهی سپرده ارزی هم بخشی از برنامه‌های دولت برای استفاده از ظرفیت بازار سرمایه برای مهار التهابات بازار ارز در کشور است. این ابزارها در حال طی‌کردن مراحل ورود به بازار سرمایه هستند و پس از تصویب توسط بانک‌مرکزی فزودی آغاز به کار خواهند کرد. سیاست‌های کنترل کسری‌بودجه دولت و ناترازی بانک‌ها نیز از مهم‌ترین برنامه‌های دولت برای غلبه بر تورم در بلندمدت است. وزیر اقتصاد با انتقاد شدید از مداخلات قیمتی و دستوری، قیمت‌گذاری دستوری را عامل رانت، فساد و از بین رفتن انگیزه تولید دانست و هدف دولت را حذف هرگونه عدم‌شفافیت عنوان کرد و گفت اوج شفافیت در بازار سرمایه مشاهده می‌شود و وزارت اقتصاد در تلاش است که با تدبیر و به تدریج، هر گونه عدم‌شفافیت و تعارض منافع را به تدریج اصلاح کند.

عرضه اولیه ۱۵ تا ۲۰ شرکت تا پایان سال

حجت‌اله صیدی، رئیس سازمان بورس و اوراق‌بهادار، در این مراسم مهم‌ترین هدف بازار سرمایه را نقش آفرینی در تشکیل سسرمایه ثابت دانست و گفت که کشور به‌شدت به مثبت‌شدن نرخ تشکیل سرمایه برای رشد اقتصادی نیاز دارد و مسیر آن از بازار سرمایه می‌گذرد. بازگرداندن اعتماد به بازار نخستین گام برای تحقق این هدف است و با برنامه‌های دولت چهاردهم و تلاش چهار بورس کشور، تعمیق بازار با ابزارهای نوین و عرضه‌های جدید به تدریج اعتماد فعالان بازگشته است. صیدی با اشاره به مدیریت بازار پس از جنگ تحمیلی ۱۲ روزه گفت که بازار ایران افت شدیدی را پس از این اتفاق تجربه نکرد. بازار ایران پس از بحران پیش آمده، پس از گذر از روند حفاظت از دارایی‌ها، حفظ نقدشوندگی، رسیدن به تعادل و حفظ آن، به رونق نیز رسید.

رئیس سازمان بورس از عملکرد امیدبخش شرکت‌ها در گزارش‌های ۶ ماهه و ۹ماهه خبر داد و بر ایجاد محیطی سرشار از انصاف و عدالت برای معاملات تأکید کرد. فصل زمستان بسیار برای بازار سرمایه مهم است و در سه ماه باقی‌مانده تا پایان سال، سازمان همچنان توسعه عمودی و افقی بازار را پیگیری خواهد کرد. همچنین طبق اظهارات صیدی، تا پایان سال بین ۱۵ تا ۲۰ شرکت عرضه اولیه خواهند شد و چند ابزار مالی جدید نیز معرفی می‌شود.

افق روشن بازار سرمایه

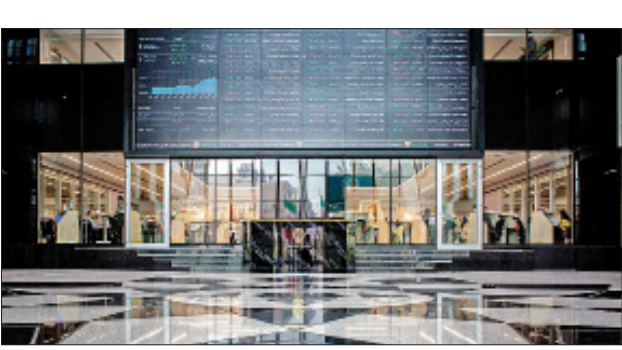
محمود گودرزی، مدیرعامل بورس تهران نیز حضور معاون اول رئیس‌جمهوری را نمادی از نگاه ویژه مقامات ارشد به بازار سرمایه دانست و گفت؛ این حضور امید تازه‌ای در فعالان بازار ایجاد کرده‌است. گودرزی همچنین تصمیمات شجاعانه نهاد ناظر بازار سرمایه و همزمانی آن با حضور مقامات عالی اجرایی و اقتصادی ایران در خانه شفافیت اقتصاد ایران، یعنی تالار معاملات بورس اوراق‌بهادار را نویدبخش افق روشنی برای بازار سرمایه ایران دانست و افزود: شفافیت اساس توسعه اقتصادی است و هدف اصلی بورس تهران نیز تحقق همین شفافیت است. مدیرعامل بورس تهران همچنین تأکید کرد؛ حضور بنگاه‌های بزرگ در تابلوی معاملات بورس تهران به همین شفافیت وابسته است و به همین علت، شفافیت و پاسخگویی یک انتخاب نیست، بلکه ضرورتی است که باید پیگیری شود.

مراسم نواختن زنگ معاملات بورس تهران در ۲۹ آذر ۱۴۰۴ با حضور معاون اول رئیس‌جمهور و وزیر اقتصاد، نشانه‌ای روشن از عزم جدی دولت چهاردهم برای قراردادن بازار سرمایه در مرکز راهبردهای تأمین مالی پایدار و رشد اقتصاد کشور است. تأکید مشترک مقامات بر تقویت اعتماد عمومی از طریق ثبات سیاسی، شفافیت و پیش‌بینی‌پذیری، حذف مداخلات دستوری، هدایت سرمایه‌های راکد و خرد به سمت تولید واقعی و برنامه‌های عملی نهاد ناظر بازار سرمایه و وزارت اقتصاد، همچون عرضه اولیه ۱۵ تا ۲۰ شرکت تا پایان سال، راه‌اندازی ابزارهای ارزی جدید و حذف حجم مینا، نویدبخش افق روشنی برای بازار سرمایه است.

حجم مینا در زمان طراحی خود، با هدف جلوگیری از نوسانات مصنوعی قیمت‌ها، محدودسازی رفتارهای سفته‌بازانه و کاهش امکان دستکاری قیمت در نمادهای کم‌عمق و با سهام شناور پایین معرفی شد. در واقع، فلسفه وجودی این ابزار، حمایت از ثبات بازار در شرایطی بود که زیرساخت‌های نظارتی، عمق بازار و ابزارهای کنترلی امروز وجود نداشت. با این حال، تجربه سال‌های اخیر نشان داد که این ابزار به‌ویژه در نمادهای بزرگ، دارای سهام شناور مناسب و ارزش معاملات بالا، به‌تدریج کارایی خود را از دست داده و حتی در مواردی به مانی برای کارکرد صحیح بازار تبدیل شده است. در بخش قابل‌توجهی از نمادهای بازار، حجم مینا عملاً موجب کند شدن تعدیل قیمت‌ها، ایجاد گسست زمانی در واکنش قیمت به اطلاعات جدید و کاهش سرعت کشف قیمت تعادلی شده بود. در چنین شرایطی، قیمت پایانی لزوماً بازتاب‌دهنده واقعیت عرضه و تقاضای روزانه نبود و این موضوع، به‌ویژه برای سرمایه‌گذاران حرفه‌ای و نهادهای مالی، هزینه‌های معاملاتی پنهان و ریسک تصمیم‌گیری را افزایش می‌داد. از این منظر، می‌توان گفت که حجم مینا به‌جای ایفای نقش تثبیت‌کننده، در مواردی به عاملی برای کاهش کارایی عملیاتی بازار سرمایه بدل شده بود.

حذف عملی حجم مینا، به‌طور طبیعی می‌تواند به افزایش نقدشوندگی، روان‌تر شدن معاملات و بهبود فرآیند کشف قیمت منجر شود. در بازاری که قیمت‌ها سریع‌تر و دقیق‌تر به اطلاعات واکنش نشان می‌دهند، تخصیص منابع کارآتر انجام شده و جذابیت بازار برای سرمایه‌گذاران بلندمدت و حرفه‌ای افزایش می‌یابد.

بورس روی ریل سیاست ارزی جدید



همچنان در اختیار صنایع بزرگ است. با وجود فضای مثبت حاکم بر معاملات، همه گروه‌ها از این موج منتفع نشدند. برخی صنایع از جمله چندرشته‌ای صنعتی و استخراج نفت و گاز، بیشترین خروج پول حقیقی را در معاملات روز شنبه تجربه کردند. در بخش صندوق‌های سرمایه‌گذاری نیز خروج سرمایه از صندوق‌های درآمد ثابت و طلا و ورود پول به صندوق‌های سهامی و شاخصی، نشانه‌ای از افزایش ریسک‌پذیری سرمایه‌گذاران و تقویت نگاه صعودی به بازار سهام در ابتدای هفته تلقی می‌شود.

پیام سیاستگذار، موتور تقاضای بورس را روشن کرد

ابراهیم سماوی، تحلیلگر بازار سرمایه تأکید کرد: «روز گذشته را می‌توان یکی از سبزترین روزهای بازار سرمایه در طول سال دانست. حدود ۹۶ درصد نمادها در محدوده مثبت معامله شدند و بیش از ۶۲۰ نماد بازدهی مثبت ۲ تا ۳ درصدی داشتند. از منظر جریان نقدینگی نیز شاهد ورود بیش از ۲۵ همت پول حقیقی به سهام، حق‌تقدّم‌ها و صندوق‌های سهامی بودیم که بخش قابل‌توجهی از آن به صندوق‌های سهامی اختصاص یافت؛ موضوعی که نشان‌دهنده خوش‌بینی فعالان نسبت به بازار سرمایه است.» او با بیان اینکه رشد دیروز را نمی‌توان صرفاً با اعداد شاخص یا سبزپوشی تابلو توضیح داد، افزود: «آنچه دیروز رخ داد، بیش از آنکه یک واکنش قیمتی باشد، پاسخ بازار به یک پیام سیاسی بود. رشد معادار شاخص‌ها، همراهی بدنه بازار و افزایش محسوس مشارکت معامله‌گران نشان داد که حرکت روز شنبه نه از جنس هیجان، بلکه حاصل یک برداشت مثبت از فضای تصمیم‌سازی و سیگنال‌های ارسال‌شده از سوی سیاستگذار بود.» سماوی ادامه داد: «حضور چهره‌های شاخص دولت و مقامات اقتصاد در فضای بازار، فارغ از محتوای سخنان، حامل یک پیام نمادین مهم بود؛ اینکه بازار سرمایه دیده می‌شود. در بازاری که طی سال‌های اخیر بیش از هر چیز از بی‌توجهی و تصمیم‌های ناگهانی آسیب دیده، همین نشانه‌های توجه می‌تواند اثر روانی قابل‌توجهی بر رفتار سرمایه‌گذاران بگذارد و بخشی از اعتماد (دست‌سرفته، به‌ویژه پس از رویدادهای سال ۱۳۹۹ را احیا کند.»

این تحلیلگر بازار سرمایه با اشاره به هم‌چهتی شاخص کل و شاخص هموزن گفت: «همزمانی رشد این دو شاخص نشان می‌دهد که افزایش قیمت‌ها محدود به چند نماد بزرگ و شاخص‌ساز نبود و کلیت بازار در این رشد مشارکت داشت. چنین رفتاری معمولاً زمانی مشاهده می‌شود که سرمایه‌گذاران احساس کنند ریسک سیستماتیک بازار کاهش یافته و می‌توانند فراتر از چند سهم خاص، به کل بازار نگاه کنند.» او افزایش ارزش معاملات را نیز نشانه‌ای مهم دانست و تصریح کرد: «رشد ارزش معاملات این برداشت را تقویت می‌کند که نقدینگی واردشده صرفاً نوسان‌گیرانه نیست و بخشی از آن با نگاه کوتاه‌مدت و حتی شکل‌گیری تدریجی نگاه میان‌مدت وارد بازار شده است. به باور من، بازار دیروز بیش از آنکه به سودآوری شرکت‌ها واکنش نشان دهد، به کاهش نااطمئانی سیاست‌سازان پاسخ داد؛ تمایزی که در مقاطع مختلف بازار اهمیت زیادی داشته است.» سماوی در ادامه خاطرنشان کرد: «تجربه نشان داده حتی در دوره‌هایی که بازار از منظر سودآوری و نسبت‌های ارزش‌گذاری در سطوح جذاب قرار داشته، اگر احساس تغییر در قواعد بازی و حمایت سیاسی وجود نداشته، رشد پایداری شکل نگرفته است. دیروز اما نشانه‌هایی از گفت‌وگو، شنیدن‌شدن بازار و تمایل به ثبات دیده شد و همین موضوع موتور

زنگ بورس در دست معاون اول



۵ فر حناز نعمتی –مراسم نواختن زنگ معاملات بورس تهران در روز شنبه ۲۹ آذر سال ۱۴۰۴ برای نخستین‌بار، با حضور محمدرضا عارف معاون اول رئیس‌جمهوری، سیدعلی مدنی‌زاده وزیر امور اقتصادی و دارایی، حجت‌اله صیدی رئیس‌سازمان بورس و اوراق‌بهادار و محمود گودرزی مدیرعامل شرکت بورس تهران برگزار شد.

در این مراسم بر ضرورت تقویت اعتماد عمومی، شفافیت و هدایت سرمایه‌های خرد و راکد به سمت تولید تأکید شد و همچنین مسئولان بازار سرمایه از اصلاحات ساختاری و ابزارهای جدید بازار سرمایه خبر دادند. محمدرضا عارف در مراسم نواختن زنگ آغاز معاملات بورس تهران، ثبات سیاسی را کلید اعتماد به بازار دانست./ عکس: نسیم علی‌اقایی
الینا قاسمی: محمدرضا عارف، معاون اول رئیس‌جمهور در مراسم نواختن زنگ معاملات بورس تهران، با تأکید برجایگاه راهبردی بازار سرمایه در تأمین مالی تولید و جذب سرمایه، این بازار را آینه شفاف اعتماد عمومی به نظام اقتصادی کشور دانست. نقش سازمان بورس در صیانت از حقوق سرمایه‌گذاران، تعمیق بازار، هدایت نقدینگی به سمت تولید و تحقق رشد پایدار، نقشی محوری و فراتر از وظایف سازمانی و حتی دولتی است. عارف همچنین گفت که دولت چهاردهم با باور عمیق به نقش بازار سرمایه در رشد اقتصادی، تأمین مالی تولید و کاهش فشار بر نظام بانکی که حداقل نتیجه آن تورم افسار‌گسیخته است، حمایت همه‌جانبه خود را از تقویت



حذف حجم مینا

بورس تهران پس از پنج هفته صعود متوالی، هفته جدید را نه با احتیاط، بلکه با شستایی مضاعف آغاز کرده؛ شتایی که خیلی زود به سبزپوشی فراگیر تابلو و ثبت رکوردهای تازه در نمای‌های اصلی بازار انجامید. تغییر در سیاست ارزی و حذف ارز توافقی، همزمان با به رسمیت شناختن ارز تالار دوم، عملاً معادلات ذهنی فعالان بازار را بازنویسی کرد و به‌عنوان یک محرک بنیاد، نقش سوخت تازه‌ای را برای موتور بازار سهام ایفا کرد. این تحول، در کنار سیگنال‌های آشکار حمایتی از سوی دولت، سطح انتظارات مثبت را در میان معامله‌گران به‌طور محسوسی افزایش داد و جریان تقاضا را در ابتدای هفته تقویت کرد.

در بورس شنبه چه گذشت؟

معاملات روز شنبه بورس تهران، تصویری کم‌ابهام از برتری مطلق سمت تقاضا در تالار شیشه‌ای ترسیم کرد؛ تصویری که خود را در رکوردشکنی همزمان شاخص‌ها نشان داد. شاخص کل با رشد ۲.۴۸ درصدی و افزایش بیش از ۹۲ هزار واحدی، در سطح ۴میلیون و ۸۶۰ هزار واحد آرام گرفت؛ سطحی که نه‌تنها بیانگر ثبت رکوردی تازه در تاریخ بازار سرمایه است، بلکه از شتاب گرفتن موج صعودی در ابتدای هفته حکایت دارد.

همزمان با حرکت پرقدردت شاخص کل، شاخص هموزن نیز مسیر صعودی مشابهی را تجربه کرد و با رشد ۲.۱۷ درصدی، از نیمه کانال یک‌میلیون واحد عبور کرد و به محدوده یک میلیون و ۷۰ هزار واحد رسید. این همسویی معنادار، نشان می‌دهد که رشد بازار محدود به چند نماد شاخص‌ساز نبوده و سهم‌های کوچک و متوسط نیز به‌طور فعال در موج صعودی اخیر مشارکت داشته‌اند؛ مولفه‌ای که از منظر تحلیلگران، معمولاً به‌عنوان یکی از نشانه‌های مهم پایداری و عمق گرفتن روند صعودی تلقی می‌شود.

بررسی جزئیات تابلوی معاملات نشان می‌دهد از مجموع ۷۹۰ نماد معاملاتی، حدود ۶۳۰ نماد در پایان روز با صف خرید کار خود را به اتمام رساندند؛ آماري که از وجود تقاضایی سنگین، فراگیر و کم‌وقفه در بازار حکایت دارد. برتری ۳.۵هزار میلیارد تومانی ارزش سفارش‌های خرید نسبت به سفارش‌های فروش، گواه دیگری بر غلبه انتظارات صعودی در معاملات روز شنبه است. در این میان، حضور پررنگ سرمایه‌گذاران حقوقی نیز قابل‌توجه بوده؛ به‌گونه‌ای که بیش از ۶۵ درصد از معاملات در هر دو سمت خرید و فروش به این گروه اختصاص یافت؛ موضوعی که از نقش فعال بازیگران بزرگ در هدایت جریان معاملات و تثبیت روند صعودی بازار خبر می‌دهد.

خبرهای مهم شنبه

دیروز اظهارات وزیر اقتصاد و معاون رئیس‌جمهور درباره حمایت قاطع از بازار سرمایه، همزمان با تغییر مسیر سیاست ارزی، باعث شد سمت تقاضا از همان دقایق ابتدایی معاملات فعال شود؛ به‌طوری که ۹۶درصد نمادها در محدوده مثبت تابلو قرار گرفتند و ارزش سفارش‌های خرید از مسر ۴ هزار میلیارد تومان عبور کرد. با این حال، این تصویر پرقدردت از معاملات، یک روی دیگر نیز دارد؛ همزمانی جهش شاخص‌ها با نزدیک شدن نسبت قیمت به سود(P/E) و ارزش دلاری بازار به محدوده‌های مقاومتی مهم، موجب شده بخشی از فعالان حرفه‌ای بازار، هفته جاری را نه صرفاً ادامه یک روند صعودی، بلکه مقطعی حساس و تعیین‌کننده برای سنجش پایداری رشد یا ورود بازار به فاز اصلاحی تلقی کنند.

از طرفی تحولات اخیر در سیاست ارزی، مسیر جریان نقدینگی را به‌طور معناداری به سمت صنایع بزرگ و دلاری بورس تهران تغییر داد. حذف ارز توافقی و رسمیت یافتن ارز تالار دوم، بار دیگر توجه فعالان بازار را به صنایعی جلب کرد که بیشترین حساسیت را نسبت به نرخ ارز دارند. به طور کلی ۲هزار و ۴۷۷میلیارد تومان سرمایه حقیقی وارد بورس شد و ارزش معاملات خرد با رشد ۴درصدی نسبت به روز چهارشنبه ۱۴هزار و ۴۹۴میلیارد تومان ثبت شد. در این میان، گروه محصولات شیمیایی با ثبت ورود ۳۸۰میلیارد تومان پول حقیقی، در صدر جدول جذب نقدینگی قرار گرفت. پس از آن، صنعت فلزات اساسی که طی هفته‌های گذشته از کانون توجه بازار فاصله گرفته بود، با جذب ۳۱۵میلیارد تومان پول حقیقی، بار دیگر به جمع صنایع پیشران بازگشت. گروه‌های پالایشی و بانکی نیز هر یک با حدود ۱۷۸میلیارد تومان ورود پول حقیقی، جایگاه‌های بعدی را به خود اختصاص دادند و نشان دادند که موتور اصلی حرکت بازار

▼ ضرورت توجه به کشاورزی ارگانیک

تأمین بموقع و اقتصادی نهاده‌ها که معمولاً بذر، کود و سم هستند و سرمایه مالی و سرمایه انسانی نیز در صدر آنهاست، لازمه تولیدات کشاورزی، دمی و سیلات است. روشن است که بدون آب کافی و خاک مناسب، تولید حرفه‌ای اکثر محصولات کشاورزی ممکن نیست یا اینکه تولیدشان پرهزینه خواهد بود. بدون تأمین بذر و نهال، بدون تأمین کود چه در نظام ارگانیک و چه در نظام‌های تولید رایج، تولید با عملکرد اقتصادی به‌ندرت قابل تصور است و همه اینها بدون احترام و لحاظ سرمایه اجتماعی، حرمت به پیشکشوتان و دانش بومی و تأمین نیازهای سرمایه‌ای آن دشوار خواهد بود. لذا قبل از بیان انتظارات از کشاورزان و حتی کشت و صنعت‌های بزرگ، انتظار می‌رود بانک‌ها و سرمایه‌گذاران کلان که نیروی انسانی تحصیلکرده و امکانات، سرمایه‌ها و ارتباطات دارند، گام‌های مناسب و متناسب با شرایط طبیعی و شرایط اقتصادی خاص پیشنهاد و اجرایی کنند؛ چراکه شاید اگر در شرایط مطلوب تمرین کشاورزی ارگانیک کاره ب‌دیم، امروز وابستگی کمتری به نهاده‌های غیرارگانیک داشتیم.

مفهوم و اصول چهارگانه ارگانیک، عبارت از انصاف، سلامت، مراقبت و اکولوژی است. یکی از اصول کشاورزی ارگانیک، اصل انصاف است، یعنی محصولات باید نه گران باشد و نه ارزان؛ بلکه لازم است که قیمت آنها یک رقم منصفانه باشد. در نظام تولید ارگانیک، درس‌های جالبی نمتنها برای کشاورزی و صنعت بلکه برای قوام سرمایه اجتماعی و حتی حاکمیت و منطقه‌نفته‌است که برای عبور از شرایط خاص اقتصادی و طبیعی (خشکسالی) می‌توان از آن بهره برد. شاید محصول ارگانیک را گران بخردند تا تولیدکننده ارگانیک را تشویق کنند، اما گران‌فروشی آن اصل انصاف را خدشدار کرده و محصول را از ارزش اخلاقی ارگانیک خارج می‌کند. واسطه‌های ضایع در نظام ارگانیک، اصولی قابل‌قبول نیست؛ دلیل این امر آن است که اضافه شدن واسطه‌ها به چرخه عرضه و تقاضا سبب گرانی می‌شود و همین اصل انصاف را خدشدار می‌کند. به‌محرال، هر گاه محصولی به مقدار نیاز بازار تولید یا تأمین نشود، انگیزه برای افزایش قیمت پیدا شده و به عبارتی مکانیسم‌های عرضه و تقاضا می‌تواند سبب گرانی آن بشود. این مطلب الزاماً به معنای گران بودن تولید نیست، کما اینکه تولیدکنندگانی که می‌شناسیم، عمدتاً باانصاف‌دان و رعایت‌مشتربان شناخته‌شده خود را می‌کنند. شاید ا‌رحل اصولی، حتی در این شرایط طبیعی و اقتصادی، تولید ارگانیک بیشتر است، اما ابتدا جامعه یا حداقل کشاورزی را به محصولات ارگانیک باید توجه بکنند تا تولیدکننده و واردکننده به فکر تولید یا تأمین بیشتر محصولات ارگانیک بیفتند.

طبق آخرین آمار در سال ۲۰۲۳، ایران در سطحی حدود ۱۵هزار هکتار کشت ارگانیک (حدود یک‌هزارم سطح کشاورزی کشور) داشته است که حدود ۵۰۰ه‌تن از تولید آنها صادر شده و الباقی در ایران مصرف شده است. از زیبایی‌های پژوهشی نشان می‌دهد هنوز شور و شوق لازم در بین مصرف‌کنندگان در داخل کشور شکل نگرفته است، لذا محصولات ارگانیک به قصد صادرات و برای جوامع صادراتی تولید می‌شود؛ مانند صادرکنندگان پیسته ارگانیک، انار ارگانیک، خرمای ارگانیک، سماق ارگانیک.

معهود تولیدکنندگانی که خود را ملزم به تولید ارگانیک برای جوامع داخلی می‌بینند، به دلایل موجه و ناموجه چندان مورد تشویق قرار نمی‌گیرند. چند شالیکار ایرانی محصول ارگانیک به چند سبک در تولید و عرضه یرنج ارگانیک می‌پرازند که در مقابل آن پنج‌هفتمین سالک تأسیس فدراسیون جنبش‌های بین‌المللی ارگانیک در کره‌جنوبی در ۲۰۲۲ مقایسه شده‌اند. به‌علاوه روش‌های تولید ارگانیک، امروزه مجهز به نهاده‌های بیولوژیک هستند و حتی می‌توانند در شرایطی عملکرد را افزایش دهند، چرا که از سموم شیمیایی که درصدی از محصول را کاهشی می‌دهند اما از آن محافظت می‌کنند در این روش تولید ارگانیک استفاده نمی‌شود.

برخی نهاده‌های لازم برای این نظام تولید منظم و درخور تحسین را بهتر است بیشتر بشناسیم؛ عوامل کنترل بیولوژیک، کودهای معدنی مجاز در اکوتیست مانند کود معدنی گوگردی برای اصلاح خاک و ایجاد محیط مناسب برای فعالیت موجودات زنده در خاک، به‌خصوص کرم خاکی در سبایه کشاورزی حفاظتی که از قطرات آب در خاک حراست می‌کند، زمینه را برای تولید دانش‌بنیان ارگانیک با توجه به شرایط جدید قیمت‌ها فراهم می‌کند.

توجه به تحقیق و توسعه شایسته مبتنی بر روش‌های درست ارگانیک، کنترل بیولوژیک، کودهای سبز، کودهای بیولوژیک و کاهش مصرف سموم باید در دستور کار باشد و برنامه ابلای وزیر وقت کشاورزی در ۱۳ اسفند ۱۳۹۰ کماکان می‌تواند مبنای کار باشد؛ تولید سوپای ارگانیک می‌تواند زمینه ساز تولید مرغ ارگانیک و رسیدن به متوسط جهانی تولید ارگانیک و سهم از بازار صادرات بیش از ۱۳۰میلیاردیورویی جهان ارگانیک و بازار ۲۰۳۰ قرار آید؛ تولید سوپای ارگانیک به‌دست محصولات غذایی را از منابع ارگانیک تأمین کند، باشد. به نظر می‌رسد سرمایه‌گذاری بیشتر در تحقیق و توسعه کشاورزی ارگانیک در سطح ملی و منطقه‌ای، توسعه انواع محصولات مناسب و گسترش برنامه‌های آموزشی کشاورزان مورد نیاز است. با سرمایه‌گذاری در حد لازم و کافی، روش‌های کشاورزی نوآورانه مانند آگرواکولوژی و بهبود پایداری و انعطاف‌پذیری در برابر تغییرات آب‌وهوایی باید بیشتر مدنظر قرار گیرد.



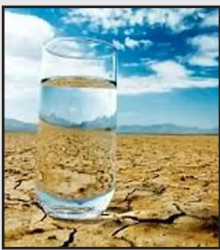
کنترل ترافیک با دوربین‌های کور

۴ بیتا حسن پور – فقط ۳ دوربین از هر ۱۰۰ دوربین ترافیکی در خیابان‌های تهران، فعال یا روشن است؛ به‌طوری‌که ۱۴۵۰ فقره از دوربین‌ها به‌خاطر آنچه «بود تجهیزات به‌روز رسانی» عنوان می‌شود، قادر به رهگیری تخلفات نیستند.

این عدم کارایی، عدم کنترل هوشمند جریان تردد خودروها و موتورسیکلت‌ها در خیابان، باعث «عبورامن» از مقررات راهنمایی و رانندگی شده؛ خدخادی که هرج‌ومرج ترافیکی روزانه و رکوردهای حوادث مرگ‌بار را به‌بنال داشته است. تهران یک تجربه موفق در «کنترل هوشمند ترافیک» در دهه ۸۰ دارد. صدیقه نژادقربان: فعال‌بودن تنها حدود ۳درصد از دوربین‌های شهری تهران، مانع از ثبت موثر تخلفات رانندگی در شهر شده و همزمان با افزایش بار ترافیکی، خیابان‌های پایتخت را با نوعی هرج‌ومرج ترافیکی قابل‌توجه روبه‌رو کرده‌است؛ به‌طوری‌که شمار تصادفات درون‌شهری نیز افزایش قابل‌توجهی داشته‌است. براساس اعلام سردار سیدتیمور حسینی، رئیس پلیس راهور، در تهران از حدود ۱۵۰۰ دوربین رهگیری ثبت تخلفات رانندگی، تنها ۵۰ دوربین فعال هستند که به‌عنوان مهم‌ترین عامل افزایش تخلفات رانندگی و تشدید تصادفات درون‌شهری شناخته می‌شوند. به‌طوری‌که طبق اعلام سرهنگ جهان‌شاه بهرام‌آبادی، جانشین پلیس راهور تهران بزرگ، تعداد تصادفات فوتی موتورسیکلت‌سواران در پایتخت طی هشت ماه گذشته در مقایسه با مدت مشابه سال قبل، ۵۰درصد افزایش یافته‌است.

با توجه به حجم بالای تردد موتورسیکلت‌ها، بیشترین تخلفات این گروه از کاربران ترافیکی شامل حرکت در خلاف جهت که حتی در بزرگراه‌ها نیز مشاهده می‌شود، عبور از پیاده‌رو، ورود به خطوط ویژه، حمل‌بار غیرمجاز و عدم‌استفاده از کلاه ایمنی است. افزایش چشمگیر تخلفات موتورسواران در سطح شهر، بیش از هر چیز ناشی از خاموش‌بودن «چشم کنترل ترافیک» است که امکان رهگیری تخلفات رانندگی را از بین برده و عملاً مسیر را برای گسترش هرج‌ومرج در تخلفات ترافیکی باز کرده‌است. با این‌حال، در کنار خاموشی گسترده سامانه‌های رهگیری تخلفات در تهران که اکنون به یکی از معضلات جدی شهر تبدیل شده، پایتخت در گذشته تجربه‌ای موفق در حوزه رهگیری هوشمند ترافیک داشته‌است؛ تجربه‌ای که در صورت احیای دوباره آن، مدیریت شهری می‌تواند تا حد قابل‌توجهی از بروز بخش زیادی از تخلفات شهری جلوگیری کند.

در همین راستا، «دنیای‌اقتصاد» در گفت‌وگویی با مهرداد تقی‌زاده، معاون اسبق حمل‌ونقل وزارت راه و شهرسازی و رئیس انجمن حمل‌ونقل پاک



مختصات سال جاری آبی

و پایدار، به بررسی راز این تجربه موفق رهگیری هوشمند دوربین‌های شهری در دهه ۸۰ پرداخته است. تقی‌زاده با اشاره به سازوکار نصب دوربین‌های کنترل محدوده ترافیکی در تهران توضیح داد: در دهه ۸۰، در یکی از جلسات تصمیم‌گیری مرتبط با پروژه‌های هوشمندسازی ترافیک شهر تهران که در ساختمان شرکت کنترل ترافیک برگزار شد، موضوع خرید و نصب دوربین‌های کنترل محدوده ترافیکی در دستور کار قرار گرفت. هدف این پروژه، ثبت عبور خودروها از محدوده‌های ترافیکی و اجرای موثر مقررات شهری، مشابه سازوکار دوربین‌های کنترل سرعت بود. در این جلسات، پیش از ورود به فرآیند مناقصه، مشخصات فنی دوربین‌ها از جمله کشور سازنده، برند، دقت ثبت تصویر و استانداردهای فنی با دقت بالا استخراج شد. این موارد به‌طور کامل در اسناد مناقصه درج شد و مقرر شد پیمانکاری بر اساس ترکیبی از قیمت مناسب و کیفیت فنی انتخاب شود. در این مرحله، کلیت مسیر پیشنهادی موردتوافق حاضران قرار داشت. با این‌حال، پرسشی کلیدی مطرح شد که مسیر بحث را تغییر داد؛ پس از خرید و نصب دوربین‌ها، نگهداری و تعمیرات آنها چگونه تضمین خواهدشد؟ پاسخ اولیه این بود که با همان پیمانکار یا پیمانکاری دیگر، قرارداد جداگانه‌ای برای نگهداری و تعمیرات منعقد شود و هزینه تعمیرات به‌صورت موردی پرداخت شود. اما بلافاصله این پرسش اساسی مطرح شد که آیا در چنین مدلی، پیمانکار نگهداری انگیزه‌ای برای سالم ماندن طولانی‌مدت تجهیزات دارد؟

جمع‌بندی بحث روشن بود؛ وقتی درآمد پیمانکار از محل تعمیرات تأمین می‌شود، خرابی تجهیزات به‌معنای ایجاد درآمد است و سالم ماندن آنها به کاهش درآمد منجر می‌شود، در نتیجه همه متفق‌القول پذیرفتند که این مدل با یک تعارض منافع ساختاری مواجه است و احتمال خرابی‌های مکرر، آگاهانه یا ناآگاهانه در آن بالاست. مساله دیگر به اصالت تجهیزات مربوط می‌شد. این نگرانی مطرح شد که حتی با تعیین مشخصات فنی دقیق، چگونه می‌توان از نصب دوربین‌های اصل‌اطمینان حاصل کرد؟ پاسخ رسمی وجود «ناظر» بود، اما در همان جلسه تصریح شد که در عمل، نظام نظارت همواره قادر به حذف ریسک نیست و احتمال تأیید تجهیزات غیراصل وجود دارد. برآیند این مباحث نشان می‌داد که مدل سنتی قرارداد، نه از منظر کیفیت تجهیزات و نه از منظر کیفیت نگهداری، پاسخگو نیست.

راهکاری که در همان جلسات مطرح و سپس در شهرداری تهران اجرا شد، مبتنی بر «تغییر منطق قرارداد» بود. به‌جای انتخاب پیمانکار برای خرید، نصب و سپس دریافت هزینه تعمیرات، پیشنهاد شد «سرمایه‌گذار» انتخاب شود. در این مدل، شهرداری هزینه‌ای بابت خرید تجهیزات پرداخت نمی‌کند و سرمایه‌گذار مسوول خرید، نصب، بهره‌برداری، نگهداری و تعمیرات دوربین‌هاست. پرداخت شهرداری نه بر اساس خرید تجهیزات یا تعداد تعمیرات، بلکه به ازای هر عکس معتبر ثبت‌شده انجام می‌شود. در پایان هر ماه، بر اساس تعداد تصاویر ثبت‌شده، مبلغی به سرمایه‌گذار پرداخت می‌شود؛ عددی که به‌گونه‌ای تنظیم‌شده بود که هزینه‌ها و سود منطقی او را پوشش دهد. منطق این مدل، تأمین مالی نبود، بلکه «تضمین کیفیت عملکرد» بود. اگر دوربین کار نکند، فیک باشد یا به‌درستی نگهداری نشود، اولین منضر «سرمایه‌گذار» است؛ زیرا تا زمانی‌که تصویری ثبت نشود، پرداختی هم صورت نمی‌گیرد، به‌همین‌دلیل، سرمایه‌گذار انگیزه دارد بهترین تجهیزات را انتخاب کند، نگهداری را به‌صورت اصولی انجام دهد و خرابی‌ها را در کوتاه‌ترین زمان ممکن شناسایی کند. در بسیاری از موارد، حتی دوربین جایگزین آماده نصب وجود داشت تا فرآیند ثبت تخلف متوقف نشود.

این مدلیس از تصویب نپای، در نصب دوربین‌های محدوده ترافیکی تهران اجرا شد و پس از مشاهده نتایج، به سایر حوزه‌ها از جمله دوربین‌های کنترل سرعت، پارکمترا‌ها، سیستم بلیت مترو و کارت‌های مترو نیز تسری یافت. چند سال‌بعد، ارزیابی‌ها نشان‌داد که‌درصد خرابی دوربین‌ها عملاً به نزدیک صفر رسیده‌است؛ چراکه هر خرابی بلافاصله به زبان سرمایه‌گذار منجر می‌شود. در این الگو، شهرداری، از ترافق «دوربین» نمی‌خرد، بلکه خدمت «ثبت تصویر» را خریداری می‌کند و بابت خروجی واقعی هزینه می‌پردازد. ایس نوع قرارداد در ادبیات جهانی با عنوان Performance(PBC Based Contract) یا «قرارداد مبتنی بر عملکرد» شناخته می‌شود؛ مدلی که پرداخت در آن بر اساس خروجی واقعی است، نه حجم فعالیت یا تعداد تعمیرات. تقی‌زاده تأکید کرد؛ کاربرد PBC محدود به دوربین‌های ترافیکی نیست و در پروژه‌های مانند آسفال‌ت، راه‌سازی، معابر شهری و حتی خطوط تولید نیز قابل‌استفاده است.

یکی از دلایل اصلی خرابی گسترده آسفال‌ت‌ها، تفکیک مسوولیت بین پیمانکاران زیرسازی و روسازی است؛ به‌گونه‌ای که در زمان خرابی، مسوول مشخصی وجود ندارد، در حالی‌که در مدل PBC، یک پیمانکار مسوول ساخت، بهره‌برداری و نگهداری کل مسیر است و درآمد او به سالم‌بودن معبر وابسته است. در این چارچوب، حتی برای جاده‌های بدون عوارض نیز می‌توان قراردادهای بلندمدت(مثلاً ۲۰ ساله) خرید کرد و سلاله مبلغ ثابتی متناسب با تورم به پیمانکار پرداخت کرد. این پرداخت نه بابت رفع خرابی، بلکه بابت سالم‌بودن مسیر انجام می‌شود. در مقابل، عدم‌اجرای این مدل در حوزه دوربین‌های درون‌شهری و برون‌شهری، از جمله در مسیرهایی مانند تهران‌ قم، به خرابی‌های گسترده و نوسانی تجهیزات انجامیده است. به گفته او، تا زمانی‌که چنین پروژه‌هایی به سمت قراردادهای مبتنی بر عملکرد حرکت نکنند، دستیابی به کیفیت پایدار و سلامت مستمر تجهیزات ممکن نخواهد بود.

در این سال از مجموع استان‌های کشور، تنها دو استان اندکی بارش مثبت را تجربه کردند و سیاست‌گذاران مدام هشدارهایی مبنی بر لزوم صرفه‌جویی در مصرف آب می‌دادند. در این بین، راهکارهای گوناگونی به‌منظور بهبود تنش آبی پیشنهاد می‌شد. برخی از این راهکارها عبارت از شیرین کردن آب دریا، انتقال آب، تغییر الگوی کشت برخی محصولات و همچنین اصلاح قیمت آب بود که موافقان و مخالفانی داشت. برای مثال طرح انتقال آب از خلیج فارس و دریای عمان به منظور تأمین آب شرب و صنعتی دو استان ساحلی و شش استان غیرساحلی مرکزی ایران یکی از این راهکارهاست. انتقال آب از دریای عمان به استان‌های شمال شرق درحال حاضر ۱۹درصد پیشرفت فیزیکی داشته و طرح انتقال آب خلیج فارس به هرمزگان، یزد و کرمان، نیز رانلدازی شده است. در این طرح، سامانه شرق برای انتقال آب به سه استان سیستان و بلوچستان، خراسان جنوبی و خراسان رضوی تعریف شده و همچنین سه سامانه فراه‌ای یک تا سه خلیج فارس آب دریا به هرمزگان، کرمان، یزد و در صورت نیاز اصفهان منتقل می‌کند. «باشگاه اقتصاددانان» روزنامه «دنیای اقتصاد» در این پرونده تلاش دارد هم‌زمان با آغاز سال آبی جدید، به بررسی دو مساله بحشرانگیز، یعنی «انتقال آب» و «کشاورزی در سال آبی ۱۴۰۴»، بپردازد.	
---	--

خدمات شهری در «تله ملکی»

با درنظر گرفتن جمعیت ساکنان شهرهای اقماری تهران، جمعیت این شهر به ۱۳میلیون نفر نیز می‌رسد که این رقم معادل بزرگ‌ترین بازار کشور و یکی از بزرگ‌ترین بازارهای خاورمیانه است. کیفیت بازار تقاضا از مهم‌تر این مهم‌تر است؛ چراکه جمعیت ساکنان این شهر جزو پردرآمدترین‌ها در کشور به‌شمار می‌روند.	
--	--

جای خالی توجه به نیازهای اساسی شهر مدیریت شهری با درنظر گرفتن نیازهای شهر تهران و پتانسیل‌های این شهر برخی نقاط جذاب برای سرمایه‌گذاری را شناسایی و در اطلس جامع سرمایه‌گذاری شهرداری تهران معرفی کرده‌است. از ۲۲ رشته اصلی تعریف‌شده برای جلب مشارکت سرمایه‌گذاران بخش‌خصوصی در شهر تهران تنها ۲ مورد در راستای چالش‌های اساسی شهروندان تعریف شده‌است. این موارد عبارتند از: «فعالیت‌های اقتصادی در حوزه کلان معضلات شهر تهران، مانند ترافیک، آلودگی هوا، مسکن، احیای بافت فرسوده و…» «فرصت‌های شراکت بخش خصوصی و شهرداری تهران در تأمین زیرساخت‌های شهری» و «فعالیت‌های اقتصادی در حوزه‌های مرتبط با کلان معضلات اقتصادی کشور، مانند کمبود آب، کمبود برق، مصرف بالای انرژی و…»	
---	--

درواقع درحالی‌که شهروندان تهرانی عدم‌توسعه کافی در بخش حمل‌ونقل عمومی، آلودگی هوا، عدم‌نگهداشت صحیح شهر و عدم‌جمع‌آوری صحیح پسماند را در زمره خواست اصلی خود عنوان می‌کنند؛ برنامهریزی بر حوزه‌های دیگری متمرکز است و این خواسته‌های اصلی شهروندان حتی در جلب سرمایه‌های خصوصی نیز در حاشیه قرار دارد.

«ایجاد نیروگاه‌های خورشیدی در نقاط مختلف شهر»، «ایجاد ایستگاه‌های شارژ خود تأمین خودروهای برقی در نقاط مختلف شهر»، «تولید موتورسیکلت، دوچرخه و اسکوتر برقی»، «اجرای انواع طرح‌های صرفه‌جویی در مصرف برق در معابر و ساختمان‌های عمومی شهر از طریق تعویض لامپ‌ها با حمایت شهرداری و اداره برق منطقه‌ای»، «اجرای طرح تعویض موتور کولرهای آبی در منازل و ادارت شهر با حمایت شهرداری و اداره برق منطقه‌ای»، «توسعه خطوط مترو تهران(شامل خطوط، ایستگاه‌ها و قطارها»، توسعه ناوگان اتوبوسرانی و تاکسیرانی با محویت تاکسی و اتوبوس برقی»، «اخذگذاری نگهداری از بوستان‌های شهری و بخش خصوصی»، «ایجاد و نگهداری سرویس بهداشتی عمومی در شهر»، «واگذاری بهره‌برداری از مجتمع‌های تجاری متعلق به شهرداری‌های بخش خصوصی»، «واگذاری بهره‌برداری از مجموعه‌های ورزشی متعلق به شهرداری به بخش خصوصی»، «واگذاری بهره‌برداری از رستوران‌ها و کافی‌شاپ‌های متعلق به شهرداری به بخش خصوصی»، «ایجاد مراکز اقامتی ۴ و ۵ ستاره در نقاط مختلف شهر تهران متناسب با تخمین تقاضای طرح جامع گردشگری» و «تأمین زیرساخت‌های شهری با اولویت‌بندی ابتدایی در مناطق جنوبی شهر با تکیه بر مناطق ۱۵، ۱۶، ۱۸، ۱۹ و ۲۲. مناطق ۴، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۴، ۲۰ و ۲۱ نیز در اولویت دوم تأمین زیرساخت شهری قرار دارند که این موضوع نیز با تکیه بر جلب مشارکت بخش خصوصی قابل تحقق است.

جذب ۵همت سرمایه بخش خصوصی

نوید خاصه‌ای مدیرعامل سازمان سرمایه‌گذاری شهرداری تهران در گفت‌وگو با «دنیای‌اقتصاد» درخصوص میزان جذب سرمایه‌های موفق شده در این شرکت طی این دوره مدیریت شهری گفت: «چود مشکلات ساختاری در فرآیند جذب سرمایه باعث‌شده بود تا جذب سرمایه‌های بخش‌خصوصی از سوی این سازمان با چالش مواجه شود، بنابراین ابتدا تمرکز سازمان سرمایه‌گذاری شهرداری تهران در این دوره بر رفع این ایرادات ساختاری بود. طی یک سال‌های پس از رفع چالش‌های ساختاری این سازمان موفق به جذب حدود ۵همت سرمایه شد. در عین‌حال وضعیت قراردادهای این سازمان به ارزش ۶۶همت در تعیین تکلیف شد. درواقع تعدادی پروژه سرمایه‌گذاری از قبل در شرکت تعریف‌شده بود، اما برای آن تصمیمی اخذ نشده بود، بخشی از پروژه‌ها راکد رها شده و برخی در محاکم دادگاه بود، خوشبختانه توانستیم در این دوره، از طریق مصالحه و توافق با شرکا و سرمایه‌گذاران قراردادهایی با مجموع ارزش ۶۶همت در تعیین‌تکلیف‌کرد و از حالت رکود به حالت فعال تبدیل کنیم.



درواقع همانند سالیان گذشته همچنان ملک و ساختمان تنها مزیت رقابتی تهران برای جذب سرمایه بوده و البته فرصت‌های نرفته اقتصادی در مجوزهای ساختمانی عامل جذب سرمایه به این پروژه‌ها است. در عین‌حال «بورورکاسی پیچیده برای ورود سرمایه‌گذار» و کم‌تربودن «عایدی موردانتظار سرمایه‌گذار» نسبت به «عایدی واقعی بهای فروش خدمات شهری یا نرخ دولتی» در حوزه‌های مختلف نظیر مراکز تفریحی، گردشگری و حمل‌ونقل عمومی در عدم‌جذب سرمایه بخش‌خصوصی دخیل است.

صدور مجوز، دیگر کفاف اداره شهر را نمی‌دهد

شهرداری‌های تهران طی دوره‌های متناهی برای تأمین منابع مالی لازم برای اداره شهر به سراغ صدور پروانه رفته و درآمد حاصل از آن را عمدتاً به مصرف روزانه شهر رسانده‌اند. درواقع «فروش دارایی سرمایه‌ای شهر» هزینه‌های روزانه شهر تهران را پاسخ داده‌است، اما در شرایط کنونی به دلایل مختلفی نظیر اشباع شهر از جمعیت و رکود حاکم بر صنعت ساخت‌وساز در کشور مدیریت شهری در تأمین درآمد با چالش مواجه‌شده و بنابراین باید به سمت روش‌های دیگر تأمین مالی شهر با تکیه بر جذب سرمایه‌های بخش خصوصی حرکت کرد. در سال ۱۳۹۰ تعداد کل پروانه‌های ساختمانی صادرشده در نقاط شهری کشور ۱۲هزار ۱۰۴مورد بود که از این تعداد ۲۹هزار و ۷۶۳ مورد آن مربوط به تهران بود. در سال ۱۴۰۳ تعداد کل پروانه‌های ساختمانی صادرشده در نقاط شهری کشور با ثبت افت ۳۳درصدی به ۱۴هزار و ۵۵۴مورد رسیده‌ا که از این تعداد ۷هزار و ۴۵۷مورد آن مربوط به تهران بود؛ بنابراین در این بازه ۱۴ساله تعداد صدور پروانه در شهر تهران افتی ۷۵درصدی داشت که به‌مراتب کمتر از کاهش تعداد صدور پروانه در کل شهرهای کشور بود.

کاهش صدور پروانه در کل کشور و شهر تهران نشان از سقوط درآمدهای مدیریت شهری دارد؛ درحالی‌که بخش عمده‌ای از درآمدهای شهرداری کل کشور و شهر تهران از محل صدور پروانه ساخت‌وساز تأمین می‌شد، رکود در صنعت ساختمان طی سال‌های اخیر، تأمین درآمد از این بخش برای مدیریت شهری را دچار اختلال کرد و باعث شد تا مدیریت شهری به فکر منبع درآمد جدیدی برای اداره شهر باشد. شهرداری تهران برای سال‌های متناهی درآمد حاصل از ساخت‌وساز را صرف هزینه‌های جاری خود کرده و این درحالی است که انتظار می‌رفت بخش قابل‌توجهی از این درآمد صرف توسعه زیرساخت‌های شهر شده و در عین‌حال با ایجاد منابع پایدار درآمدی، آینده تأمین درآمد در شهر را تضمین کند. به هر ترتیب وضعیت کنونی ساخت‌وساز نشان از آن دارد که مدیریت شهری دیگر نمی‌تواند به سباق سال‌های قبل بر روی درآمد حاصل از عوارض ساخت‌وساز حساب کند، این موضوع نیز در نتیجه رکود در صنعت ساخت‌وساز و کاهش ظرفیت تهران برای پذیرش ساکنان جدید رقم خورده است و در این شرایط حرکت به سمت روش‌های دیگر تأمین مالی در شهر ضروری است. عوارض، مالیات، بهای خدمات و کمک دولت از راه‌های تأمین منابع مالی مدیریت شهری در شرایط کنونی است؛ در عین‌حال در این مرحله جلب مشارکت بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری نیز ضروری است. کلان‌شهرهای بزرگی نظیر تهران در بخش زیرساخت و خدمات پتانسیل خوبی برای جذب سرمایه‌گذار بخش خصوصی دارند، درواقع بسیاری از امور که در زمره حوزه‌های خدماتی و زیرساختی طبقه‌بندی می‌شوند، می‌توانند برای سرمایه‌گذاران بخش خصوصی جذاب باشند.

درحالی‌که هر شهری دارای موقعیت‌های جذابی برای جذب سرمایه‌های بخش خصوصی است و در عین‌حال شهرها در جذب سرمایه‌گذاران به خود با یکدیگر در رقابت هستند، حجم تقاضا یکی از مهم‌ترین پتانسیل‌های شهر تهران برای جلب سرمایه‌گذار جهانی است؛ اندازه بازار تهران ۹میلیون نفر است که این رقم معادل ۱۰درصد جمعیت کل کشور است،

✦ بازی جدید نفتی در خلیج فارس

درحالی‌که کشورهای عربی خلیج فارس با فروش بخشی از زیرساخت‌های نفت و گاز خود به کنسرسیوم‌های بین‌المللی، میلیاردها دلار سرمایه جذب می‌کنند، ایران نیز با در اختیار داشتن گسترده‌ترین شبکه خطوط لوله در خاورمیانه و ظرفیت بالای انتقال نفت و گاز، می‌تواند از مدل‌های مشابه برای تامین مالی پروژه‌های انرژی و توسعه زیرساخت‌ها بهره گیرد.

تجربه موفق کشورهایی مانند امارات و عربستان در واگذاری محدود دارایی‌ها بدون از دست دادن کنترل عملیاتی، می‌تواند برای ایران بویژه در شرایط محدودیت‌های مالی و تحریم‌ها، گوی قابل‌توجهی باشد.

در سال‌های اخیر، شرکت‌های ملی نفت در کشورهای عربی حوزه خلیج فارس رویکرد تازه‌ای را در مدیریت دارایی‌های خود در پیش گرفته‌اند؛ رویکردی که هدف آن تامین نقدینگی میلیاردری از زیرساخت‌های نفت و گاز، بدون واگذاری کنترل عملیاتی است. این الگو که ابتدا در امارات و عربستان آغاز شد، امروز به یکی از استراتژی‌های اصلی تامین سرمایه در منطقه بدل شده است.

امارات: پیشگام جذب سرمایه

شرکت ملی نفت ابوظبی (ADNOC) از پیشگامان روند جذب سرمایه محسوب می‌شود. این شرکت در سال ۲۰۱۹ با ایجاد زیرمجموعه‌ای به نام «ADNOC Oil Pipelines» و اجاره ۱۸ خط لوله به کنسرسیومی متشکل از بلک‌راک (BlackRock) و KKR به مدت ۲۳ سال، توانست ۴میلیارد دلار سرمایه جذب کند. در این معامله، ۴۰ درصد سهام به سرمایه‌گذاران واگذار شد، درحالی‌که ADNOC مالکیت اکثریت و کنترل کامل عملیات را حفظ کرد.

در سال بعد، ADNOC بار دیگر با تأسیس Gas Pipelines و ADNOC از واگذاری ۳۹ درصد سهام به گروهی از شش سرمایه‌گذار بین‌المللی از جمله EIG، پروتکیده، صندوق ثروت ملی سنگاپور (GIC) و شرکت ایتالیایی Snam. حدود ۱۰میلیارد دلار دیگر جذب کرد. در سال ۲۰۲۴، شرکت سرمایه‌گذاری «Lunatex» مستقر در ابوظبی سهام کنسرسیوم‌های بلک‌راک و KKR را خریداری کرد. این شرکت زیر نظر شیخ طحون بن زاید آل‌نهیان، مشاور امنیت ملی امارات، اداره می‌شود و به بازیگر کلیدی تازایی در بازار سرمایه‌گذاری انرژی منطقه تبدیل شده است.

ارامکو و تداوم خصوصی‌سازی

ارامکو عربستان نیز در مسیر مشابهی گام برداشته است. این غول نفتی در سال ۲۰۲۱ شرکت «Aramco Oil Pipelines Co» را ایجاد کرد و ۴۹ درصد سهام آن را به کنسرسیومی به رهبری EIG Global Energy Partners واگذار نمود. ارزش این معامله ۱۲میلیارد دلار بود و شامل اجاره ۲۵ ساله خطوط لوله می‌شد. در همان سال، ارامکو با تشکیل شرکت «Aramco Gas Pipelines Co» و واگذاری سهم مشابهی به گروهی به رهبری بلک‌راک و شرکت سرمایه‌گذاری «Hassana» حدود ۱۵میلیارد دلار دیگر به دست آورد. در سال جاری (۲۰۲۵)، ارامکو بار دیگر با امضای قراردادی به ارزش ۱۱میلیارد دلار با کنسرسیومی به رهبری Global Infrastructure Partners (که از سال ۲۰۲۴ با مالکیت بلک‌راک قرار دارد) زیرساخت‌های مرتبط با پروژه میدان گازی «جعفر» را واگذار کرد.

ایمن میدان بزرگ‌ترین پروژه گاز غیر همراه در عربستان سعودی است که ارامکو آن را با هدف تامین گاز داخلی، توسعه صنایع پایین‌دستی و کاهش وابستگی به نفت خام اچ‌رامی کند. ارامکو در تمام این معاملات مالکیت اکثریت و کنترل عملیاتی را حفظ کرده است. به گزارش رویترز، ارامکو اکنون قصد دارد تا پنج نیروگاه گازسوز خود را نیز بفروشد؛ اقدامی که می‌تواند تا ۴میلیارد دلار نقدینگی جدید ایجاد و بخشی از طرح گسترده‌تر این شرکت برای آزادسازی سرمایه و افزایش اعطاف مالی باشد.

عمان: ورود به بورس برای جذب سرمایه در عمان، شرکت ملی نفت و گاز OQ در سال ۲۰۲۳ با عرضه اولیه سهام واحد خطوط لوله گاز خود (OQ Gas Networks) و فروش ۴۹ درصد سهام در بازار سهام مسقط، حدود ۷۵۰میلیون دلار سرمایه جذب کرد. سرمایه‌گذاران کلیدی این عرضه شامل صندوق سرمایه‌گذاری عمومی عربستان (PIF)، نهاد سرمایه‌گذاری قطر (QIA) و شرکت بلژیکی Fluxys بودند. دولت عمان با حفظ ۵۱ درصد سهام، کنترل عملیاتی این شبکه را در دست دارد.

شرکت Bapco Energies بحرین نیز سال گذشته با فروش بخشی از سهام خط لوله نفتی مشترک با عربستان به صندوق زیرساخت بلک‌راک، نخستین تجربه خود را در واگذاری زیرساخت‌های انرژی رقم زد. اگرچه ارزش این معامله اعلام نشد، اما به گفته منابع نزدیک، این اقدام نقطه آغاز سیاست جدید بحرین برای استفاده از دارایی‌های نفتی جهت تامین منابع مالی است.

در شرایطی که منطقه خلیج فارس شاهد شکل‌گیری موج تازه‌ای از واگذاری دارایی‌های انرژی است، ایران با برخورداری از ظرفیت‌های عظیم خطوط لوله، پتروشیمی و زیرساخت‌های صادراتی، می‌تواند با طراحی مدل‌های بومی و شفاف مشابه، مسیر تازه‌ای برای جذب سرمایه داخلی و خارجی باز کند. تجربه بلندگدن نشان داده که «اولی‌سازی هوشمند دارایی» لزوماً به معنای واگذاری مالکیت نیست، بلکه می‌تواند ابزاری کارآمد برای تقویت نقدینگی، تسریع پروژه‌ها و حفظ کنترل ملی بر منابع انرژی باشد.

صرفاً یک تغییر اجرایی به‌نظر می‌رسد، درحالی‌که در واقع مقدمه‌ای برای اصلاحات عمیق‌تر در حکمرانی انرژی است.

هدف نخست: جایگزینی بنزین فیزیکی با ارزش ریالی یارانه

نخستین و شاید بنیادی‌ترین هدف دولت، فاصله‌گرفتن از «ارز فیزیکی بنزین» و حرکت به سمت واریز ارزش‌ریالی یارانه سوخت به‌کارت بانکی افراد است. در نظام فعلی، دولت یارانه را به‌صورت بنزین ارزان‌قیمت در اختیار مصرف‌کننده قرار می‌دهد؛ به این معنا که خود کالا(بنزین) حامل یارانه است. این شیوه، علاوه‌بر ایجاد انگیزه برای مصرف بیشتر، زمینه‌ساز قاچاق و اتلاف منابع نیز شده‌است.

در مدل جدید، قرار است ارزش‌ریالی یارانه بنزین در لحظه پرداخت محاسبه شود. به بیان ساده، شهروند هنگام سوخت‌گیری همچنان از کارت سوخت برای تعیین میزان لیترژا استفاده می‌کند، اما در زمان پرداخت، سامانه بانکی به‌صورت هوشمند تشخیص می‌دهد چه بخشی از بهای بنزین مشمول یارانه است و آن را از طریق کارت بانکی فرد اعمال می‌کند. این سازوکار، شباهت زیادی به نظام‌های یارانه اعتباری در برخی کشورها دارد که به‌جای توزیع کالای یارانه‌ای، قدرت خرید یارانه‌ای را در اختیار افراد قرار می‌دهند. چنین تغییری، اگر در مراحل بعدی تکمیل شود، می‌تواند مسیر را برای شفاف‌سازی هزینه واقعی یارانه بنزین هموار کند؛ هزینه‌ای که سال‌هاست به‌عنوان «یارانه‌پنهان» در بودجه کشور انباشته شده و فشار سنگینی بر منابع عمومی وارد کرده‌است.

هدف دوم: افزایش امنیت شبکه توزیع سوخت

دومین هدف دولت، افزایش تاب‌آوری و امنیت شبکه توزیع سوخت در برابر اختلالات و حملات سایبری است. تجربه حملات سایبری به بانک‌ها نشان‌داد؛ تمرکز بیش از حد فرآیندهای حیاتی روی یک بستر دیجیتال می‌تواند ریسک‌های جدی ایجاد کند. در طرح جدید، با حفظ کارت سوخت به‌عنوان ابزار فیزیکی سوخت‌گیری و تفکیک آن از درگاه‌های بانکی، تلاش شده این ریسک کاهش یابد. به بیان دیگر، کارت سوخت همچنان وظیفه شناسایی خودرو و ثبت میزان مصرف را بر عهده دارد و شبکه بانکی صرفاً در مرحله تسویه مالی و اعمال یارانه وارد عمل می‌شود. این تفکیک، باعث می‌شود حتی در صورت بروز اختلال در شبکه بانکی، فرآیند عرضه فیزیکی سوخت متوقف نشود، به‌همین‌دلیل دولت بر نقش مرکز مدیریت راهبردی امنیت فضای تولید و تبادل اطلاعات ریاست‌جمهوری به‌عنوان نهاد ناظر تأکید ویژه‌ای دارد تا از صیانت داده‌های بانکی و اطلاعات مصرف سوخت اطمینان حاصل شود.

هدف سوم: انتقال یارانه از خودرو به فرد

اما هدف سوم که بسیاری از کارشناسان آن را مهم‌ترین بخش این اصلاح می‌دانند، زمینه‌سازی برای انتقال تدریجی سهمیه سوخت از «خودرو» به «فرد» است. در نظام فعلی، یارانه بنزین به خودرو تعلق می‌گیرد؛ به این معنا که هرکس مالک خودرو باشد، صرف‌نظر از سطح درآمد یا میزان نیاز، از یارانه برخوردار می‌شود. این سازوکار، سال‌هاست مورد انتقاد اقتصاددانان قرار دارد، چراکه توزیع یارانه را ناعادلانه می‌کند و به نفع دهک‌های پردرآمد تمام می‌شود. انتقال سهمیه به‌کارت بانکی، این امکان را فراهم می‌کند که در مراحل بعدی، یارانه بنزین مستقیماً به افراد تخصیص یابد، نه به خودرو. در چنین مدلی، حتی می‌توان تصور کرد شهروندی که خودرو ندارد نیز بتواند از سهمیه یارانه‌ای خود استفاده کند یا آن را در قالب‌های دیگری صرف کند. هرچند دولت تاکنون به‌صراحت از اجرای چنین سناریویی سخن نگفته، اما زیرساختی که اکنون در حال طراحی است، دقیقاً چنین قابلیتی را ایجاد می‌کند. این تحول، می‌تواند مقدمه‌ای برای بازنگری اساسی در سیاست یارانه انرژی باشد؛ سیاستی که در حال حاضر یکی از پرهزینه‌ترین و ناکارآمدترین بخش‌های اقتصاد ایران محسوب می‌شود.

چالش‌ها و ابهام‌ها

با وجود اهداف اعلام‌شده، اجرای این طرح با پرسش‌ها و ابهاماتی نیز همراه است. دسترسی افشار فاقد حساب بانکی فعال، نحوه مدیریت اختلالات احتمالی شبکه بانکی در شرایط بحرانی و میزان آمادگی جایگاه‌های سوخت برای تطبیق با سازوکار جدید، از جمله چالش‌هایی است که باید در دوره آزمایشی سه‌ماهه مورد ارزیابی قرار گیرد. همچنین برخی کارشناسان هشدار می‌دهند؛ بدون اصلاح تدریجی قیمت‌ها و کنترل رشد مصرف، حتی هوشمندترین ابزارهای توزیع نیز قادر به مهار ناترازی بنزین نخواهند بود.

در مجموع، انتقال سهمیه سوخت به‌کارت بانکی را باید فراتر از یک تغییر فنی دید. این طرح، بخشی از یک پازل بزرگ‌تر در حکمرانی انرژی است؛ پازلی که از اصلاح قیمت بنزین آزاد در آذرماه آغاز شده و اکنون به بازتعریف شیوه تخصیص یارانه رسیده‌است. اگر دولت بتواند این مسیر را با شفافیت، اجماع اجتماعی و به‌تدریج ادامه دهد، شاید برای نخستین‌بار پس از سال‌ها، امکان خروج از بن‌بست یارانه بنزین و حرکت به سمت یک نظام عادلانه‌تر و کارآمدتر فراهم شود.



اتصال کارت سوخت به کارت بانکی

📌 **بیلا جلیلوند** – دولت با ابلاغ آیین‌نامه انتقال سهمیه بنزین به کارت بانکی، به‌دنبال اصلاح ساختاری یارانه سوخت است. این

سیاست با هدف جایگزینی یارانه ریالی به‌جای بنزین مصرفی، افزایش امنیت شبکه توزیع در برابر اختلالات سایبری و زمینه‌سازی برای انتقال یارانه سوخت از خودرو به فرد اجرا می‌شود.

سیاستگذاری بنزین در ایران بار دیگر وارد مرحله‌ای تازه شده‌است؛ مرحله‌ای که در ظاهر با یک تغییر فنی در ابزار پرداخت آغاز می‌شود، اما در واقع نشانه‌ای از تلاش دولت برای بازتعریف رابطه میان یارانه، مصرف‌کننده و حامل انرژی است. تصویب آیین‌نامه اجرایی بندت« تبصره (۳) قانون بودجه۱۴۰۴ و اجرای هم‌زمان اصلاحات قیمتی از ۲۲ آذرماه، حکایت از آن دارد که دولت قصد دارد نظام توزیع بنزین را از یک الگوی «کالامحور» به سمت یک الگوی «یارانه‌محور» و فردبنیاد» سوق دهد؛ مسیری که اگرچه تدریجی تعریف‌شده، اما پیامدهای آن می‌تواند عمیق و ساختاری باشد. این طرح در مرحله نخست، به‌صورت آزمایشی و برای مدت سه ماه اجرا می‌شود و فعلاً فقط بنزین را شامل خواهدشد. وزارت امور اقتصادی و دارایی با همکاری وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات و شرکت ملی پخش فراورده‌های نفتی مکلف شده‌اند در این بازه زمانی، زیرساخت‌های فنی، امنیتی و اجرایی لازم را فراهم کنند. دولت امیدوار است که این دوره آزمایشی، فرصت شناسایی نقاط ضعف و چالش‌های احتمالی را پیش از اجرای سراسری فراهم کند.

از ۲۲ آذرماه، قیمت بنزین عرضه‌شده از طریق کارت جایگاه‌ها به ۵هزار تومان در هر لیتر افزایش‌یافت؛ درحالی‌که سهمیه‌های ۱۵۰۰ و ۳۰۰۰تومانی همچنان برای خودروهای شخصی حفظ شده‌اند. این دوگانه قیمتی، نخستین نشانه از تفکیک میان مصرف یارانه‌ای و مصرف آزاد است، اما در گام بعدی، دولت با تصویب آیین‌نامه انتقال سهمیه سوخت به‌کارت بانکی، عمل اعلام‌کرده قصد دارد نحوه تخصیص این یارانه را نیز متحول کند.

بر اساس این آیین‌نامه که با مشارکت وزارت امور اقتصادی و دارایی، وزارت نفت، وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، سازمان برنامه‌وبودجه کشور و مرکز مدیریت راهبردی امنیت فضای تولید و تبادل اطلاعات ریاست‌جمهوری تدوین شده، سهمیه بنزین به‌تدریج از کارت‌های سوخت به‌کارت‌های بانکی صاحبان خودرو منتقل می‌شود. هرچند کارت سوخت همچنان به‌عنوان ابزار فیزیکی سوخت‌گیری باقی‌می‌ماند، اما نقش آن در فرآیند تخصیص یارانه دست‌خوش تغییر خواهدشد. در قلب این تصمیم، سه هدف مشخص نهفته است؛ اهدافی که بدون درک آنها، انتقال سهمیه به‌کارت بانکی



بانک آمریکایی گلدمن‌ساکس پیش‌بینی کرده: میانگین قیمت‌های نفت‌خام برنت و دبلیو تی‌آی آمریکا در سال ۲۰۲۶ که کمتر از ۵۶دلار برای هر بشکه می‌رسد. به گزارش «شنا» به نقل از رویترز،

موسسه مالی گلدمن‌ساکس در گزارشی اعلام کرده: انتظار می‌رود قیمت دو شاخص نفت‌خام برنت و دبلیو تی‌آی آمریکا در سال ۲۰۲۶ بترتیب به میانگین ۵۶ و ۵۲ دلار برای هر بشکه برسد.

این بانک تأکید کرده:بجز در صورت بروز اختلال‌های بزرگ در عرضه یا کاهش تولید سازمان کشورهای صادرکننده نفت(اوپک)، افت قیمت نفت برای ایجاد تعادل دوباره در بازار پس از سال ۲۰۲۶ لازم خواهد بود.

قیمت نفت‌خام شاخص برنت روز جمعه با ۱۲اسنت کاهش، به ۵۹ دلار و ۷۰سنت برای هر بشکه رسید، در همین‌حال نفت‌خام شاخص دبلیو تی‌آی آمریکا با ۱۶اسنت کاهش، ۵۵دلار و ۹۹سنت به ازای هر بشکه دادوستد شد.

گلدمن‌ساکس انتظار دارد قیمت نفت در اواسط سال ۲۰۲۶ به پایین‌ترین سطح خود برسد، زیر بازارها پیش‌بینی ایجاد تعادل دوباره را آغاز کرده‌اند.

این بانک آمریکایی ادامه‌داد: رشد تقاضای مطلوب حدود روزانه یکمیلیون و ۲۰۰هزار بشکه، کاهش بیشتر عرضه روسیه در صورت ادامه تنش‌های مسکو و کی‌یف، تحریم‌ها و افت تولید کشورهای غیراوپک بجز روسیه از عوامل اصلی این روند خواهند بود.

این بانک آمریکایی یادآور شد: ما خطراتی نزولی خالص را برای چشم‌انداز قیمت نفت ۲۰۲۶ تا ۲۰۲۷ مشاهده می‌کنیم،

آنکارا به‌دنبال گاز ارزان قیمت

بایراکتار، وزیر انرژی ترکیه در حاشیه اجلاس جهانی ال‌ان‌جی اعلام کرده: این قراردادهای

خرید ال‌ان‌جی با شرکت‌های «انی» ایتالیا» و «اس‌ئی‌اف‌ئی» آلمان امضا شده‌اند. مجموع حجم این قراردادها، ۱۱میلیارد مترمکعب گاز برای یک دوره ۱۰ساله است که از سال۲۰۲۸ آغاز خواهدشد. بر اساس اطلاعات منتشرشده از سوی شرکت‌های طرف قرارداد و اظهارات بایراکتار در شبکه‌های اجتماعی، قرار است شرکت «اس‌ئی‌اف‌ئی» سه‌ماهه چهارم سال۲۰۲۸، در دوره‌های زمستانی در مجموع ۵میلیون تن ال‌ان‌جی به «بوتاش» تحویل دهد که تقریباً معادل عملییلارد مترمکعب گاز است. همچنین شرکت «انی» از سال۲۰۲۸ سالانه ۴۰۰هزار تن ال‌ان‌جی به ترکیه تحویل خواهد داد. هر دو قرارداد توسط بوتاش در ماه سپتامبر با شرکت‌های «اس‌ئی‌اف‌ئی» و «انی» امضا شد.

وزیر انرژی ترکیه در یک نشست خبری تأکید کرد: قراردادهایی که امضا کرده‌ایم و از سال۲۰۲۷ به بعد اجرا می‌شوند، در مقایسه با قرارداد با تامین‌کنندگان فعلی ما از جمله روسیه، ایران و سایر تامین‌کنندگان کنونی، بسیار رقابتی‌تر هستند. وی همچنین افزود: ترکیه در حال بازارآیی سید تبند انرژی خود است و ال‌ان‌جی در آینده نقش مهم‌تری در بازار انرژی این کشور ایفا خواهد کرد. در همین راستا، شرکت «اس‌ئی‌اف‌ئی» اعلام کرده: ال‌ان‌جی موردنظر «بوتاش» را از سید جهانی خود تامین خواهد کرد، سیدی که بخش اصلی آن را ال‌ان‌جی تولیدی ایالاتمتحده تشکیل می‌دهد و بر اساس قراردادهای بلندمدت و مطمئن تضمین شده‌است، با وجود تلاش ترکیه برای تنوع‌بخشی به منابع گازی از طریق قراردادهای جدید ال‌ان‌جی، وزیر انرژی این کشور تأکید کرد: نیاز به گاز روسیه همچنان برای امنیت انرژی پایرجاست. وی توضیح داد: ترکیه در سال آینده نیز طبق دو قرارداد با شرکت «گازپروم» به واردات گاز از روسیه ادامه خواهد داد. در عین‌حال، تمرکز بر تمدید قراردادهای کوتاهمدت یک‌ساله است و طبق این قراردادها، ۱۶ و ۸میلیارد مترمکعب گاز از طریق خطوط لوله «بلو استریم» و «ترکاستریم» تامین خواهندشد.

رونمایی دولت از راهبرد ترانزیتی



بدون مسیر، بدون ریل، بدون بندر و بدون زیرساخت‌های لجستیکی، حتی بهترین سیاست‌ها و پیشرفته‌ترین رویکردهای سیاست خارجی نیز نمی‌توانند ظرفیت واقعی خود را محقق کنند».

گشته‌های تصادفات قابل پذیرش نیست

مسعود پزشکیان در مراسم گرامی‌داشت هفته حمل‌ونقل، با تشریح رویکرد دولت در توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقلی کشور، بر ضرورت نگاه علمی، یکپارچه و آینده‌نگر به شبکه‌های جاده‌ای، ریلی، شهری، هوایی و دریایی تأکید کرد و گفت: «اگر شریان‌های اصلی توسعه طراحی و تکمیل نشوند، توسعه مسیرهای فرعی نه‌تنها مشکل را حل نمی‌کند، بلکه باعث انباشت ترافیک، آلودگی هوا و اختلال در جریان حمل‌ونقل خواهد

قرارداد ۲۵ساله صادرات گاز ایران به ترکیه در آذر ۱۴۰۵ به پایان می‌رسد و دو کشور در حال مذاکره برای تمدید آن هستند. ترکیه با پیشبرد سیاست متنوع‌سازی سید گازی وارداتی خود، پیشنهاد تمدید کوتاهمدت ۵ساله با همان حجم ۱۰میلیارد مترمکعب را مطرح کرده تا این طریق وابستگی خود به گاز ایران را کاهش دهد؛ گزینهای که گفته می‌شود به نفع ایران نخواهد بود.

ترکیه با افزایش واردات LNG از آمریکا و الجزایر و توسعه میادین گازی، وابستگی خود به گاز ایران را کاهش داده‌است. این کشور از سال ۲۰۰۱، سالانه ۹۶میلیارد مترمکعب گاز از ایران خریداری می‌کند. این قرارداد خرید در ژوئیه ۲۰۲۶ (تیر ۱۴۰۵) منقضی می‌شود. در طول مدت این قرارداد، ترکیه بارها با اختلال در واردات مواجه شده‌است که بخشی به‌دلیل مشکلات ایران در نگهداری زیرساخت‌های قدیمی بوده‌است. اختلال‌ها اغلب در اوج تقاضای زمستانی رخ می‌داد، به‌خاطر اینکه ایران گاز صادراتی را به بازار داخلی خود اختصاص می‌دهد تا تامین داخلی پایدار بماند. از سوی دیگر ترکیه واردات گاز از طریق خط لوله از ایران و روسیه را غیررقابتی می‌داند، دو قرارداد بلندمدت ال‌ان‌جی نیز با شرکت‌های اروپایی‌غری امضا ترکمستان به‌عنوان یک دستاورد برای این کشور یاد کرده‌اند.

سید «ال‌ان‌جی» ترکیه

آنچه اکنون تمدید قرارداد صادراتی گاز ایران به ترکیه را به همان شکل سابق تهدید می‌کند، کاهش وابستگی ترکیه به گاز کشورهایی مانند روسیه و ایران است. اخیراً شرکت بوتاش ترکیه با شرکت روسی «گازپروم» توافق کرده‌است که قراردادهای واردات گاز از طریق خط لوله را برای یکسال تمدید کند. با این‌حال، از آنجا که آنکارا به‌دنبال ایجاد تنوع و نیز نوسازی ناوگان حمل‌ونقل در کشور دنبال می‌کند؛ به ویژه آنکه طبق آمارهای اعلام شده تصادفات، معابر و وسایل نقلیه به عنوان ۲ عامل اصلی حوادث رانندگی، در وضعیت نگران‌کننده هستند و طی چند هفته اخیر، تورم و نوسانات بازار از یک طرف نوسازی ناوگان حمل‌ونقل را سخت کرده و از طرف دیگر شرایط بودجه‌ای، پروژه‌های عمرانی به ویژه تأمین و بهسازی زیرساخت‌های جاده‌ای را بیش از پیش پیچیده کرده است.

در همین چارچوب، مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهوری کشورمان روز گذشته اعلام کرد: «همان‌گونه که در بدن انسان اختلال در شریان‌های اصلی، حیات را مختل می‌کند، هر گونه تازایی در شبکه‌های اصلی حمل‌ونقل نیز موجب عقب‌ماندگی، ناترازی و افزایش هزینه‌ها خواهد شد و اصلاح این مسیر تنها با نگاه علمی، یکپارچه و مشارکت همه‌جانبه ممکن است».

البته عباس عراقچی، وزیر امورخارجه پا را فراتر گذاشته و ضرورت «حمل‌ونقل» را به یک فرصت اقتصادی بین‌المللی تشبیه کرد تا بگوید: «امروز حمل‌ونقل، ترانزیت و بنادر به یکی از ارکان اصلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده‌اند و نقش تعیین‌کننده‌ای در تحقق اهداف دیپلماسی اقتصادی ایفا می‌کنند. برای کشوری مانند ایران، حمل‌ونقل به معنای تبدیل جغرافیا به فرصت است،

♥ چالش‌های تدوین نقشه پایدار

برای تجارت ایران

تجارت خارجی در معنای کلان خود صرفا نتیجه تصمیم‌های مقطعی یا اراده بازیگران منفرد نیست، بلکه محصول یک بستر نهادی، ساختاری و تاریخی است که در آن امکان طراحی، پیش‌بینی و تداوم سیاست‌ها فراهم می‌شود. در چنین نگاهی پرشش اصلی این نیست که چرا ایران نقشه تجاری ندارد؛ بلکه این است که چه شرایطی حاکم شده که در آن نقشه‌داشتن عملا ناممکن است. این تمایز مفهومی ما را از دآوری‌های شخصی و نهادی دور و به سطح تحلیل اقتصاد سیاسی کلان نزدیک می‌کند.

چالش‌های تدوین نقشه پایدار برای تجارت ایران در ادبیات اقتصاد بین‌الملل، ترسیم نقشه تجاری مستلزم ثبات نسبی در سه حوزه است: افق تولید، افق نهادی و افق تعاملات خارجی. نقشه زمانی معنا دارد که بتوان دربارۀ مسیر آینده تصمیم گرفت و از تداوم آن اطمینان نسبی داشت. در شرایطی که این‌افق‌ها به‌طور مداوم دستخوش تغییر هستند، سیاست تجاری ناگزیر به واکنش‌های کوتاه‌مدت فروکاسته می‌شود. مسالۀ ایران دقیقا در همین نقطه قرار دارد؛ نه به‌دلیل فقدان ظرفیت، بلکه به‌واسطه سیال بودن مداوم محیط تصمیم‌گیری.

اقتصاد ایران از منظر ساختار تولید، متکی بر انرژی، صنایع بالادستی و تولیدات میان‌پایه است؛ ساختاری که ذاتا به افق‌های بلندمدت، سرمایه‌گذاری پایدار و بازارهای قابل پیش‌بینی نیاز دارد. با این حال زمانی که متغیرهای کلان اقتصادی از نرخ ارز گرفته تا سیاست‌های تجاری در بازه‌های کوتاه تغییر می‌کنند، امکان هم‌راستاسازی تولید با بازارهای هدف از بین می‌رود. در چنین فضایی، نه بنگاه می‌تواند استراتژی صادراتی تعریف کند و نه سیاستگذار قادر است مسیر مشخصی را تثبیت کند. بنابراین فقدان نقشه‌های تجاری بیش از آنکه ناشی از تصمیم نگرفتن باشد، حاصل ناپایداری افق تصمیم‌گیری است.

در سطح نهادی نیز نقشه‌داشتن مستلزم پیش‌بینی‌پذیری است. اما زمانی که قواعد تجارت خارجی، نظام ارزی، سازوکارهای تأمین مالی و حتی اولویت‌های سیاست خارجی به‌طور مستمر در حال تغییر هستند، تجارت در بازارهای هدف از بین می‌گردد. «شنشاور» قرار می‌گیرد. در چنین شرایطی کنشگران اقتصادی یاد می‌گیرند به‌جای برنامه‌ریزی خود را با شرایط تطبیق دهند. این تطبیق‌پذیری، اگرچه در کوتاه‌مدت شاید با ممکن می‌کند، اما در بلندمدت امکان طراحی نقشه را از بین می‌برد. نقشه نیازمند ایستایی نسبی است؛ درحالی‌که محیط تجارت ایران نسبتا سیال است.

از منظر تعاملات خارجی نیز نقشه تجاری زمانی شکل می‌گیرد که کشور بتواند جایگاه خود را در نظام اقتصاد جهانی تعریف کند. این جایگاه نه صرفا سیاسی است و نه صرفا اقتصادی، بلکه ترکیبی از هر دو است. در شرایطی که روابط خارجی تحت تأثیر عدمقطعیت‌های مداوم قرار دارد، تکنیک بازارها و تعریف نقش پایدار در شرق با غرب دشوار می‌شود. نه غرب به‌عنوان بازاری قاعده‌محور، امکان اتکای بلندمدت می‌یابد و نه شرق به‌عنوان بازاری مقیاس‌محور، افق قابل پیش‌بینی ارائه می‌دهد. در نتیجه، تجارت در وضعیتی معلق باقی می‌ماند که در آن، نقشه‌داشتن به‌لحاظ عملیاتی معنا پیدا نمی‌کند.

ویژگی غالب این وضعیت، «واکنشی شدن عقلانیت تجاری» است. در چنین بستری، سیاست‌ها نه برای رسیدن به مقصدی مشخص، بلکه برای مدیریت شرایط جاری اتخاذ می‌شوند. هر شوک بیرونی یا درونی، مسیر تجارت را اندکی جابه‌جا می‌کند، بی‌آنکه این جابه‌جایی‌ها در چارچوب یک مسیر از پیش طراحی‌شده معنا یابند. این وضعیت، نه نشانه فقدان آگاهی، بلکه پیامد منطقی زیستن در محیطی با عدم قطعیت ساختاری است.

در ادامه باید تأکید کرد از منظر ژئواکونومیک نیز هرچند ایران در موقعیتی ممتاز قرار دارد، اما بهره‌برداری از این موقعیت مستلزم پیوند آن با استراتژی تجاری بلندمدت است. در شرایطی که اولویت‌ها، قواعد و مسیرها دائما در حال بازتعریف هستند، مزیت جغرافیایی به‌جای آنکه به راهبرد تبدیل شود، به ظرفیت بالقوای معلق بدل می‌شود. بنابراین، «معطل‌ماندن ژئو اکونومیک» بیش از آنکه ناشی از غفلت باشد، حاصل نبود بستر لازم برای تبدیل مزیت به نقشه است. به‌عبارتی نمی‌توان از ناشستن نقشه تجارت سخن گفت، بی‌آنکه به شرایطی پرداخت نه امکان نقشه‌داشتن را محدود کرده‌اند. مسالۀ اصلی تجارت ایران، نه فقدان اراده نه خطای فردی و نه کمبود ظرفیت است؛ بلکه حاکم‌بودن وضعیتی است که در آن ثبات، پیش‌بینی‌پذیری و افق بلندمدت به حداقل رسیده‌اند. تا زمانی که این شرایط کلان تغییر نکند، نقشه تجاری نه طراحی‌ناپذیر، بلکه بی‌معنا خواهد بود. در چنین بستری، نخستین گام نه ترسیم نقشه، بلکه فراهم‌کردن شرایطی است که نقشه‌داشتن را ممکن کند.



قفل دولتی بر صادرات معدنی

✎ **عرشیا حسن پور** - بازار جهانی مواد معدنی به‌دلیل کاربردهای متنوع این محصولات در تولید «انرژی پاک» بیش از همیشه رونق گرفته است. با این حال، تغییرات مکرر قوانین و مقررات در ایران باعث قفل شدن صادرات محصولات معدنی شده است.

گفت: «یکی از چالش‌های اساسی فعالان اقتصادی، فقدان پیش‌بینی‌پذیری در سیاستگذاری‌هاست. در شرایط کنونی شفافیت لازم وجود ندارد تا فعالان این حوزه بتوانند با اطمینان نسبت به آینده تصمیم‌گیری کنند و بداندن با چه قواعد و ضوابطی باید مسیر فعالیت خود را ادامه دهند. این نااطمینانی، طی سال‌های گذشته به‌صورت مستمر بر فضای تولید و صادرات کشور سایه انداخته است.»

عسکرزاده گفت: «بخش قابل‌توجهی از مشکلات فعلی، ریشه در تغییرات تدریجی اما بعضا ناسازگار قوانین مرتبط با صادرات مواد خام و نیمه‌خام دارد. در مقاطعی، چارچوب حقوقی مشخص‌تری بر صادرات حاکم بوده است. بر اساس ماده ۳۵ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور، درآمد حاصل از صادرات کالاهای خام مشمول معافیت مالیاتی (با مصطلحات نرخ صفر مالیاتی) می‌شد. منطق این حکم آن بود که در صورتی که یک بنگاه اقتصادی بخشی از سود خود را از محل صادرات به‌دست آورد، آن بخش از سود، از شمول مالیات بر درآمد خارج است. اگرچه در اصلاحات بعدی، اصطلاح «معافیت» به «نرخ صفر مالیاتی» تغییر یافت، اما این جایگزینی، تغییری در ماهیت حکم قانونی ایجاد نکرد.» او افزود: «قانون‌گذار در همان مقطع، برخی اقلام از جمله مواد خام معدنی و مواد خام نفتی را از شمول این حکم مستثنی کرد و مقرر شد درآمد حاصل از صادرات این گروه از کالاها، برخلاف سایر کالاها، مشمول مالیات باشد. این اقلام در قالب فهرستی مشخص ذیل ماده ۳۵ تعریف شدند.»

او افزود: «بر اساس ماده ۲۷ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور، دولت مجاز است نسبت به صادرات مواد خام به‌طور مشروط عوارض تعیین کند یا از تعیین آن خودداری نماید. این ماده سه معیار را از جمله، مازاد بودن کالا در داخل کشور، قابلیت فراوری و ایجاد ارزش‌افزوده در داخل و حفظ بازارهای بین‌المللی مشخص کرده است. به عبارت دیگر، اگر کالایی مازاد بر نیاز داخل باشد، یا امکان فراوری آن در داخل وجود نداشته باشد، یا وضع عوارض منجر به از دست رفتن بازارهای خارجی شود، می‌توان از اعمال عوارض صادراتی خودداری کرد. فلسفه این ماده ناظر بر حفظ بازارهای صادراتی و جلوگیری از تصمیمات ناگهانی و پرهزینه بود. با این حال، در عمل و در دوره‌های مختلف، این ملاحظات کمتر مورد توجه قرار گرفت و عوارض صادراتی، به‌ویژه در شرایط کسری بودجه، به‌عنوان ابزاری برای تأمین منابع مالی مورد استفاده قرار گرفت.»

افزایش محدودیت‌ها بر فعالیت‌های معدنی

عسکرزاده با اشاره به فضای حاکم بر برخی دوره‌های تصمیم‌گیری افزود: «در مقاطعی، نگاه غالب بر این مینا شکل گرفت که بخش معدن ماهیتی حاکمیتی دارد و واگذاری آن به بخش خصوصی محل تردید بوده است. این



رویکرد، در کنار فشار برخی بخش‌های پایین‌دستی برای تأمین مواد اولیه با قیمت پایین‌تر، زمینه‌ساز افزایش محدودیت‌ها بر فعالیت‌های معدنی شد. نتیجه این روند، اضافه شدن مفهوم «نیمه‌خام» به ماده ۳۵ بود؛ مفهومی که پیش از آن در متن قانون وجود نداشت و دامنه شمول محدودیت‌های مالیاتی و صادراتی را به‌طور قابل‌توجهی گسترش داد. هم‌زمان، در ماده ۱۴۱ قانون مالیات‌های مستقیم نیز موضوع حذف معافیت‌های مالیاتی صادرات برخی کالاها مطرح شد و در ماده ۳۷، اعمال عوارض صادراتی پررنگ‌تر شد.»

او در ادامه گفت: «در سال‌های ابتدایی اجرای این احکام، عملا دو فهرست مجزا وجود داشت؛ یک فهرست مربوط به مواد خام که مشمول حذف نرخ صفر مالیاتی می‌شد و فهرست دیگر شامل مواد خام و کالاهای با ارزش افزوده پایین که برای آنها عوارض صادراتی در نظر گرفته می‌شد.» عسکرزاده ادامه داد: «با اضافه شدن واژه نیمه‌خام، تفسیرهای متفاوتی از سوی دستگاه‌های اجرایی ارائه شد. در این چارچوب، وزارت امور اقتصادی و دارایی تفسیری را مطرح کرد که بر اساس آن، حذف معافیت‌های مالیاتی به‌معنای شمول تمامی انواع مالیات، از جمله مالیات بر ارزش افزوده، تلقی شد. بر مبنای این برداشت، اعلام شد که مالیات بر ارزش افزوده صادرات مواد خام و نیمه‌خام نباید به صادرکنندگان بازگردانده شود. در متن ماده ۱۴۱ قانون مالیات‌های مستقیم، چنین حکمی به‌صراحت پیش‌بینی نشده و این رویکرد، حاصل تفسیر اجرایی از قانون است. پیامد این تفسیر آن بود که صادرکنندگان مواد خام، علاوه بر از دست دادن نرخ صفر مالیاتی، امکان استرداد مالیات بر ارزش افزوده را نیز از دست دادند.» این فعال معدنی گفت:«در عمل این وضعیت به‌منزله تحمیل هزینه اضافی قابل‌توجه بر صادرات است، چراکه مالیات بر ارزش افزوده که پیش‌تر در زمان صادرات به صادرکننده بازمی‌گشت، عملا به هزینه نهایی تبدیل شده است. این در حالی است که فلسفه مالیات بر ارزش افزوده، مبتنی بر مصرف چیه قواعد و ضوابطی باید مسیر فعالیت خود را ادامه دهند. این نااطمینانی، طی سال‌های گذشته به‌صورت مستمر بر فضای تولید و صادرات کشور سایه انداخته است.»

عسکرزاده در ادامه گفت: «بر اساس بند «پ» ماده ۹۹ قانون برنامه هفتم توسعه، دولت با هدف عبور از خام‌فروشی و حرکت به سمت تولید با ارزش افزوده بالاتر، مجاز است هم عوارض صادراتی وضع کند و هم درآمدهای صادراتی این کالاها را در سراسر کشور از شمول نرخ صفر مالیاتی خارج کند. این حکم از منظر حقوقی با ایراداتی همراه است، چراکه حقوق مکنتسه سرمایه‌گذاران را نادیده می‌گیرد. برای نمونه، سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد بر مبنای مشوق‌های صادرات‌محور و معافیت‌های مالیاتی انجام شده و تغییر ناگهانی این قواعد، منطق تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران را مخدوش می‌کند. دامنه آثار این بند، فراتر از ماده ۳۵ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ماده ۱۴۱ قانون مالیات‌های مستقیم است و در عمل، تمامی درآمدهای حاصل از صادرات کالاهای مندرج در فهرست بند «پ» ماده ۹۹ را در معرض شمول مالیات قرار می‌دهد.»

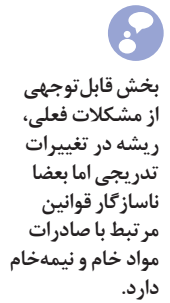
او افزود: «وزارت صنعت، معدن و تجارت نیز فهرستی گسترده برای اجرای این حکم (ماده ۹۹ قانون برنامه هفتم توسعه) تهیه کرده است که در صورت اجرای بدون ملاحظات کارشناسی، می‌تواند تعادل بخش صنعت و معدن را برهم بزند. در این چارچوب، بار مالیاتی تحمیل‌شده در برخی موارد حتی از عوارض صادراتی نیز سنگین‌تر خواهد بود. فهرست اولیه تهیه‌شده در معاونت معدنی وزارت صمت به وزیر ارائه و سپس به کمیسیون اقتصادی دولت ارسال شد، اما این کمیسیون اعلام کرد که اجرای چنین تصمیمی مستلزم هماهنگی میان چند دستگاه نهاد ذیربط است. با این وجود، در ادامه جلساتی در سطح وزارتخانه‌ها برگزار و اعلام شد که بدون آنکه نظرات تشکل‌ها و اتاق بازرگانی به‌طور موثر لحاظ شود، فهرست نهایی شده است. این در حالی است که همچنان جزئیات تصمیمات اتخاذشده به‌صورت شفاف اعلام نشده است. در حال حاضر کل زنجیره آهن و فولاد، از استخراج سنگ‌آهن تا تولید ششش، تحت تأثیر این سیاست‌ها قرار دارد و هم‌زمان دو فهرست مجزا، یکی ذیل ماده ۱۴۱ و دیگری در ارتباط با بند «پ» ماده ۹۹، وجود دارد.»

بستر شکل‌گیری فعالیت غیر رسمی

عسکرزاده در ادامه گفت: «تداوم این شرایط می‌تواند به اختلال جدی در صادرات کشور منجر شود و حتی فرآیند صادرات را در برخی بخش‌ها متوقف کند. بازگشت به بازارهای صادراتی از دست‌رفته فرآیندی پرهزینه و زمان‌بر است. در فضایی که قواعد شفاف و ثبات وجود ندارد، زمینه برای شکل‌گیری راهکارهای موقتی و بعضا غیررسمی فراهم می‌شود. در چنین شرایطی، فعالان باسابقه و قانون‌مدار به‌تدریج از بازار خارج شده و جای خود را به بنگاه‌های کم‌تجربه یا صرفا صوری می‌دهند. این بنگاه‌ها آشنایی لازم با الزامات تجارت بین‌الملل، بازگشت‌تاز و شفافیت مالی ندارند و فعالیت آنها می‌تواند اعتبار تجاری کشور را در بازارهای جهانی تضعیف کند.»

این فعال معدنی گفت: «بخش خصوصی طی سال‌های تحریم، با دشواری فراوان توانسته است اعتماد خریداران خارجی را جلب کند و در برخی موارد، مبادلات تجاری صرفا بر پایه اعتماد متقابل انجام می‌شود. از بین رفتن این اعتماد، به‌معنای از دست رفتن یکی از معهود مسیرهای باقی‌مانده برای تداوم صادرات خواهد بود.» عسکرزاده در جمع‌بندی اظهارات خود گفت: «موضوع از طریق مکاتبات با رئیس‌جمهور پیگیری و به وزارت امور اقتصادی و دارایی، وزارت صنعت، معدن و تجارت، سازمان برنامه و بودجه و معاونت حقوقی ریاست‌جمهوری ارجاع شده و در حال حاضر پیگیری آن بر عهده معاونت پیگیری‌های ویژه ریاست‌جمهوری است. هدف از این روند دستیابی به جمع‌بندی کارشناسی و اتخاذ تصمیمی است که کمترین آسیب را به تولید و تجارت کشور وارد کند؛ به‌گونه‌ای که در صورت وجود ایراد در قوانین یا رویه‌ها، مسیرهای اصلاحی از طریق مراجع بالادستی و سازوکارهای قانونی دنبال شود. شرط اصلی اصلاح وضعیت، وجود اراده در سطح تصمیم‌گیری است و در صورت ایجاد حساسیت لازم می‌توان از لطمه به صادرات جلوگیری کرد، در غیر این صورت بخش قابل‌توجهی از صادرات کشور از دست خواهد رفت و جایگزینی برای آن متصور نخواهد بود.»

ابهام در تعریف مفاهیمی مانند «مواد خام» و «نیمه‌خام»، هم‌زمان با گسترش دامنه شمول مالیات و عوارض به بخش بزرگی از زنجیره معدن و فولاد، باعث شده است بنگاه‌ها نتوانند تصویر روشنی از آینده فعالیت خود ترسیم کنند. این نااطمینانی، از نگاه تحلیلگران، زمینه‌ساز خروج تدریجی بازیگران باسابقه و جایگزینی آنها با فعالیت‌های کوتاه‌مدت و غیرشفاف خواهد شد؛ روندی که نه به افزایش درآمدهای پایدار دولت و نه به تقویت جایگاه ایران در تجارت بین‌الملل منجر خواهد شد. در چنین فضایی، فعالان صنعت بر این باورند که بازنگری در نحوه اجرای قوانین و ایجاد هماهنگی میان دستگاه‌های تصمیم‌گیر، شرط لازم برای جلوگیری از آسیب جدی به صادرات معدنی و حفظ سرمایه‌های اقتصادی و اعتباری کشور در بازارهای جهانی است.



بخش قابل توجهی

از مشکلات فعلی،

ریشه در تغییرات تدریجی اما بعضا

ناسازگار قوانین مرتبط با صادرات مواد خام و نیمه‌خام

دارد.

وزارت جهاد کشاورزی با ارسال یک جویابه به گزاریش با عنوان «کلکسیون رانت در بازار نهاده» که در تاریخ بیست‌وسوم آذرماه ۱۴۰۴ در روزنامه «دنیای اقتصاد» منتشر شده بود، واکنش نشان داد. متن این جویابه به شرح زیر است:«به‌منظور جلوگیری از انحصار، ایجاد شفافیت و نظارت، افزایش سرعت و کارآمدی و مدیریت بهتر جریان واردات کالا به کشور، کلیه فرایند بررسی «درخواست ثبت‌سفارش کالاهای اساسی» و سایر کالاهای به صورت سیستمی انجام می‌گیرد. این فرآیند با در نظر گرفتن پارمترهای نظیر اعمال سقف و سابقه شرکت‌های واردکننده، اعطای سهولیمه واردات بر مبنای رتبه اعتباری بازرگانان و حجم واردات سال‌های گذشته آنان انجام می‌پذیرد؛ به نحوی که هیچ یک از بازرگانان در یک دوره مشخص و در هر فصل، نتوانند بیش از حداکثر سقف تعیین‌شده ثبت‌سفارش کنند. همچنین با فراهم نمودن امکان حضور تمام بازرگانان و اولویت‌بخشی به تولیدکنندگان و واحدهای تولیدی، تعداد بازرگانان فعال در واردات کالاهای مذکور افزایش یافته است.

در راستای نظارت بر حسن اجرای ضوابط خرید، فروش، حمل و نگهداری نهاده‌ها و کالاهای کشاورزی و همچنین اجرای ضوابط اختصاصی نهاده‌ها و کالاهای اساسی موضوع ماده (۲) دستورالعمل تبصره (۴) ماده (۱۸) قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز و جلوگیری از تخلفات عرضه خارج از شبکه، سامانه بازارگاه نهاده‌های کشاورزی از سال ۱۳۹۸ ایجاد گردیده است. تاکنون تمامی نهاده‌های دامی اعم از جو، ذرت، کنجاله سویا و انواع دانه‌های روغنی در این سامانه عرضه و توزیع می‌گردد.



تلاش وزارت کشاورزی برای جلوگیری از انحصار

بازگشت یک ایده شکست خورده



سال‌اخیر اختلاف قیمت تا حد زیادی کاهش پیدا کرده‌بود اما حالا تحت‌تأثیر رشد نرخ دلار، تورم عمومی و انتظارات تورمی این اختلاف قیمت دوباره افزایش پیدا کرده‌است، به‌طوری‌که طبق بررسی «دنیای‌اقتصاد» اختلاف قیمت کارخانه و بازار ۱۲مُدل خودرویی که در لیست عرضه جدید ایران‌خودرو قرارگرفته‌اند به ۵۵۳٫۶میلیون‌تومان معادل ۴۲٫۳ درصد می‌رسد. این در شرایطی است که در تیرماه امسال اختلاف قیمت مذکور برای خودروهای داخلی به‌طور میانگین حدود ۹۶میلیون‌تومان معادل ۱۱درصد بود.

عامل دوم نیز حذف شرط پلوه‌کردن پول برای خرید خودرو از کارخانه است. اوایل سال ۱۴۰۱ بود که دولت مقرر کرد؛ برای ثبت‌نام در طرح‌های فروش باید مبلغ مشخصی در حساب‌های وکالتی پلوه‌کرد شود. این رقم در اواخر اجرای این طرح حتی به ۳۲۰میلیون‌تومان رسید اما حالا ین شرط از شروط ثبت‌نام برای خرید خودرو حذف شده‌است.

حال باید دید که آیا سیاستگذاران به سمت بازگرداندن محدودیت‌های متقاضیان از جمله حساب وکالتی حرکت خواهند کرد یا خیر. البته حساب‌های وکالتی تنها شرط متقاضیان خرید نبود که حذف شده‌است. پیش‌نیازهای دیگری نیز از بین لیست شروط سال‌های گذشته حذف شده‌اند. برای مثال می‌توان به ممنوعیت خرید خودرو توسط اشخاص حقوقی

بازار خودرو بار دیگر با بازگشت تقاضای میلیونی، وارد فاز پرریسک شده است. لشکرکشی بیش از ۱۰میلیون نفر برای ثبت‌نام در جدیدترین طرح فروش ایران‌خودرو نشان می‌دهد. لااباری خودرویی دوباره به کانون جذب تقاضای سرمایه‌ای و البته مصرفی تبدیل شده است. شکاف دوباره قیمت کارخانه و بازار به‌رغم دوبار افزایش قیمت کارخانه، حذف شرط حساب وکالتی و عقب‌نشینی از محدودیت‌های گذشته، باعث هجوم متقاضیان شده‌است.

لشکر ۱۰ میلیونی خرید خودرو

آمار تعداد متقاضیان خرید خودرو در طرح جدید ایران‌خودرو بار دیگر رکوردشکنی کرد. تا ساعت ۱۴ روز گذشته، ۱۰میلیون و ۵۵هزار نفر در این طرح ثبت‌نام کرده‌اند و پیش‌بینی می‌شد تا ساعات پایانی روز شنبه تعداد متقاضیان به ۱۱میلیون نفر برسد. این بدان معناست که تعداد متقاضیان حالا به قله آماری خود بازگشته است. این رشد متقاضیان خرید خودرو در حالی رقم خورده که از نقطه پیک قبلی در تعداد ثبت‌نام‌کنندگان قرعه‌کشی ایران‌خودرو (دی ماه ۱۴۰۱) شاهد افت متقاضیان تا تابستان امسال بودیم، اما این‌بار به‌رغم دوبار رشد قیمت از ابتدای سال، بازهم این آمار پیک دیگری زده است. برای مثال در اولین طرح فروش ایران‌خودرو در سال جاری که اردیبهشت ماه اجرایی شد، ۹۸۶هزار و ۲۴۶ نفر ثبت‌نام کرده‌بودند، بنابراین تعداد متقاضیان خرید خودرو از کارخانه از ابتدای سال تاکنون ۰٫۲برابر شده‌است.

برای فهم بهتر بزرگی این عدد بهتر است نگاهی به آمار دارندگان گواهینامه در ایران بیندازیم. طبق اعلام پلیس راهور تا سال ۱۴۰۱ حدود ۱۵میلیون نفر در کشور گواهینامه داشتند، اگر در این مدت این رقم به ۵۵میلیون نفر رسیدهباشد، به این معناست که در مرحله جدید فروش ایران‌خودرو ۱۸٫۳درصد از کل دارندگان گواهینامه در کشور (از هر ۵۵ نفر یک نفر) اقدام به ثبت‌نام کرده‌اند. حال بررسی اساسی این است که چرا دوباره این حجم عظیم متقاضیان به سمت لااباری‌های خودرویی رو آورده‌اند؟

دو دلیل عمده را می‌توان در بازگشت موج‌های استقبال از طرح‌های فروش خودروسازان

موثر دانست. عامل اول رشد دوباره اختلاف قیمت کارخانه و بازار خودرو است. طی یک

♥ دوری از تیم ملی سخت ترین روزهای زندگی‌ام بود
بهناز طاهرخانی، کاپیتان باتجربه فوتبال بانوان ایران و بازیکن تیم ملوان، از روزهای سخت و شیرین فوتبالش می‌گوید؛ از دوری یکساله از تیم ملی تا بازگشت دوباره با انگیزهای بیشتر. او باور دارد سن فقط یک عدد است و آینده فوتبال بانوان ایران با پشتکار بازیکنان و حمایت مسئولان می‌تواند در سطح آسیا و حتی جهان بدرخشد.
علاقه‌تان به فوتبال از کجا شروع شد و چه کسی بیشترین تأثیر را داشت؟
علاقه من به فوتبال از دوران کودکی شکل گرفت و خانواده‌ام همیشه پشتیبانم‌بودند.همچنین دوست دارم از مریم‌ خانم جعفری قدردانی کنم که با اعتماد و راهنمایی‌های ارزشمندشان مسیر فوتبالی‌ام را هموار کردند.
شرایط فعلی فوتبال بانوان ایران را چطور ارزیابی می‌کنید؟
فوتبال بانوان در سال‌های اخیر پیشرفت‌های قابل‌توجهی داشته و بازیکنان مستعد و باانگیزهای در تیم ملی حضور دارند. البته اگر حمایت‌ها و برنامه‌ریزی‌ها جدی‌تر شود، می‌توانیم به جایگاه‌های بالاتری در آسیا و حتی عرصه جهانی برسیم. من مطمئناً با تلاش بازیکنان و حمایت مسئولان، آینده فوتبال بانوان ایران روشن خواهد بود.
کاپیتان بودن در تیم ملی و باشگاه چه مسئولیتی برایتان دارد؟
کاپیتانی مسئولیت بزرگی است، اما من آن را فرصتی برای کمک به هم‌تیمی‌ها و ایجاد انگیزه می‌دانم. با تمرکز بر تمرینات، حفظ روحیه تیم و همکاری نزدیک با مربیان، سعی می‌کنم فشارها را مدیریت کرده و انرژی مثبت را به تیم منتقل کنم. برای من مهم است که همه با هم پیشرفت کنیم و بهترین نتایج را به دست آوریم.
عملکرد اسمال ملوان و نقش شما در تیم چگونه بوده است؟
خللی خوشحالم که اسمال در کنار تیم جوان، متحد و باانگیزه ملوان بازی می‌کنم. بازیکنان ما استعداد زیادی دارند و مطمئنم اگر فرصت داشته‌یم چند بازیکن با تجربه بیشتر به تیم اضافه شود، می‌توانستیم عملکرد بهتری داشته باشیم و قطعاً نتایج بهتری هم می‌گرفتیم. برای من سن فقط یک عدد است؛ آنچه اهمیت دارد تلاش، تمرکز و عشق به فوتبال است. ترکیب تجربه من با انرژی بازیکنان جوان باعث می‌شود عملکرد خوبی داشته باشیم. هواداران ازلی هم همیشه با حمایت‌های پرشورشان انگیزه ما را دوچندان می‌کنند.
سخت‌ترین لحظه ورزشی‌تان چه بوده است؟
حدود یک سال و نیم از تیم ملی دور بودم و این فاصله برایم بسیار سخت بود. اما همین جدایی به من یادآوری کرد که مقدر به تیم ملی کشورم عشق می‌ورزم. در آن دوران با وجود همه چالش‌ها تلاش کردم بهترین عملکردم را حفظ کنم تا برای بازگشت آماده باشم. این تجربه به من آموخت که صبر، پشتکار و تمرکز بر هدف، کلید عبور از سخت‌ترین شرایط است.
بزرگترین آرزوی فوتبالی شما چیست؟
بزرگترین آرزویم این است که همیشه با تعهد و تلاش، بهترین عملکردم را برای تیم ملی و باشگاهم ارائه دهم و در موفقیت‌های ملی و بین‌المللی سهم داشته باشم. امیدوارم الهام‌بخش بازیکنان جوان‌تر باشم و نقشی در رشد فوتبال بانوان ایران ایفا کنم.
اگر به گذشته بازگردید، چه توصیه‌ای به نوجوان فوتبالیست خودتان دارید؟
اگر به گذشته برگردم، به نسخه نوجوان خود می‌گفتم که همیشه به تلاش و تمرین‌های مستمر ایمان داشته باش و هیچ وقت انگیزه و عشق به فوتبال را از دست نده. همچنین به خودش یادآوری می‌کردم که صبر و پشتکار، همراه با احترام به تیم و همتیمی‌ها، مهم‌ترین ابزار برای رسیدن به موفقیت است.
♥ بی احترامی یک بازیکن، جرقه جدایی
هر گاه پرسپولیس روند پر فراز و نشیبی را طی می‌کند ناخودآگاه نگاه‌ها به سمت مربی می‌چرخد که موفقیت‌های متعددی را با این باشگاه به دست آورده است. برانکو ایوانکوویچ، مربی سابق تیم‌های ملی و پرسپولیس یکی از مربیان موفق سرخ‌ها در سال‌ها گذشته بود که توانست با این تیم به قهرمانی لیگ برتر و صعود به فینال لیگ قهرمانان آسیا دست یابد. در واقع نام برانکو به عنوان یک ال‌ترناتیو جدی همواره مطرح بوده اما سرمربی پرسپولیس همیشه تلاش کرده اظهارات‌ای انجام ندهد که موجب ایجاد حاشیه در این باشگاه شود.
صحت یا سرمربی سابق پرسپولیس نیز این موضوع را به اثبات می‌رساند که برانکو نسبت به جایی که پیش‌تر در آن فعالیت داشته همواره با احتیاط صحبت می‌کند.
برانکو در گفت‌وگو با «ایران ورزشی» در خصوص حضورش در تیم‌های ملی عمان و چین گفت: «حضور در این دو تیم تجربه خوبی بود.» او در خصوص احتمال حضورش در جمع سرخ‌پوشان بیان داشت: «فعلاً هیچ برنامه‌ای ندارم و ترجیح می‌دهم مدافعانم نداشته باشم. البته برای آینده برنامه‌هایی دارم و پیشنهادهایی به دستم رسیده است که برای موافقت با این گزینه‌ها باید شرایط همکاری وجود داشته باشد».

جدول نیز پایین‌تر بیاید و برای تثبیت جایگاه خود در لیگ بجنگد؛ اما اگر تیم مهدی رحمتی بار دیگر بتواند روح جنگندگی و ساختار هماهنگ ابتدای فصل را بازیابد، جایگاه بین نیمه بالایی جدول همچنان در دسترس خواهد بود.
کلید آینده تیم خبیر در نیم‌فصل دوم، بیش از هر چیز در مدیریت بحران توسط کادرفنی، احیای انگیزه در بازیکنان با تجربه و استفاده بهینه از فرصت‌های نقل‌وانتقالاتی نیم‌فصل خلاصه می‌شود. با توجه به ظرفیت روانی بازیکنان و نظم تاکتیکی‌ای که در هفته‌های ابتدایی فصل دیده شد، خبیر می‌تواند از این مقطع بحرانی عبور کند، اما مسیر پیش‌رو، آزمونی جدی برای مهدی رحمتی است؛ آزمونی که نشان می‌دهد آیا او تنها یک مربی انگیزشی است یا توان مدیریت فنی بحران را نیز دارد. در هر صورت، عملکرد خبیر در نیم‌فصل دوم نه‌تنها سرنوشت این فصل بلکه اعتبار پروژه حضور مداوم این تیم لرتبار در لیگ برتر را تعیین خواهد کرد.

پدیده جوان مس ؛ اسلحه مخفی جباری
تیم مس کرمان با حضور مجتبی جباری روی نیمکت، در نیم‌فصل دوم لیگ برتر جانی تازه گرفته است. سرمربی جوان نارنجی‌پوشان در دو مسابقه ابتدایی خود مقابل خبیر خرم‌آباد و تراکتور عملکردی امیدوارکننده از شاگردانش دیده؛ هر چند حاصل کار یک پیروزی و یک شکست بوده است. با این حال نکته مشترک هر دو دیدار، درخشش پنهان بازیکنی بود که حالا به پدیده جدید مس بدل شده؛ فرنام عرب، بازیکن ۲۳ ساله‌ای که زمان حضور رسول خطیبی به جمع مس‌ها اضافه شد، پیش‌تر در پست وینگ‌بک راست بازی می‌کرد، اما در دوران مجتبی جباری مأموریت تازه‌ای یافته است. جباری با نگاهی متفاوت، از او به عنوان وینگر چپ یا مهاجم سایه استفاده کرده؛ تصمیمی که حالا جواب داده و نمره‌اش دو گل در دو بازی پیاپی است. او در نخستین حضورش زیر نظر جباری برابر خبیر، از دقیقه ۶۴ وارد میدان شد و در دقیق پایانی با شوتی زیبا از پشت محوطه جریمه، پیروزی ۲ بر ۱ را برای تیم کرمانی رقم زد. تصویری که در ذهن هواداران مس ماند، شادی پرانرژی بازیکن جوانی بود که لبخندش یادآور رهایی از فشارهای نیم‌فصل اول بود. یک هفته بعد، برابر تراکتور، مجتبی جباری دوباره به عرب اعتماد کرد. او را نیمه دوم به میدان فرستاد و در دقیقه ۸۸ با ضربه‌ای چپ و دقیق، دروازه علیرضا بیرانوند را گشود تا حتی در روز شکست ۴ بر ۱ نیز نامش بر زبان‌ها باشد. دو گل در دو بازی، آن هم به‌عنوان یار تعویضی، کافی است تا لقب «تعویض طلایی» بر پیشانی این بازیکن جوان بنشیند. فرنام عرب حالا به جدی‌ترین گزینه برای حضور در ترکیب اصلی بدل شده است. او در هر دو دیدار جایگزین حمیدرضا طاهرخانی شد؛ بازیکنی که از دوران اوج خود فاصله گرفته و نتوانسته در کنار سامان نریمان‌جهان و ارمان رضائی خط حمله قدرتمندی را شکل دهد. به نظر می‌رسد جباری برای سه بازی سرنوشت‌ساز پیش‌رو برابر دو‌هب‌آن، شمس‌آذر و استقلال خوزستان، برنامه ویژه‌ای برای عرب در نظر دارد.

فرنام عرب بی‌تردید یکی ازعوامل روشن‌روشن روزهای آغازین دوران مربیگری جباری در مس است. او با انرژی و جسارت جوانی خود، رنگی تازه به چهره تیم داده و شاید در ادامه فصل، از تعویض طلایی به مرد ثابت و تأثیرگذار نارنجی‌پوشان تبدیل شود.

دو بازی مرگ و زندگی محرم
سپاهان در مقطع حساسی از فصل به سر می‌برد؛ مقطعی که می‌تواند مرز باریکی بین بازگشت به کورس قهرمانی یا ورود به یک بحران عمیق‌تر باشد. زردپوشان اصفهانی که تا همین چند هفته قبل با ثبات و اقتدار صدر جدول را در اختیار داشتند، حالا با سه هفته ناکامی متوالی، نه‌تنها جایگاه نخست را از دست داده‌اند بلکه حاشیه امن خود را در جمع مدعیان نیز از بین رفته می‌بینند. شکست مقابل پرسپولیس اگرچه نقطه اوج این افت بود، اما واقعیت این است که نشانه‌های لغزش سپاهان پیش از آن و تا ساوی برابر ملوان و شکست در بازی ۶ امتیازی برابر استقلال نمایان شده بود. آنچه شرایط را برای تیم محرم نویدک‌یا نگران‌کننده‌تر می‌کند، برنامه مسابقات پیش رو است. دو دیدار متوالی مقابل گل‌گهر و تراکتور، آن هم در شرایطی که هر دو تیم فاصله‌ای نزدیک با سپاهان در جدول دارند، می‌تواند معادلات بالای جدول را به کلی تغییر دهد. این بازی‌ها صرفاً ۶ امتیاز معمولی نیستند؛ بلکه مسابقاتی مستقیم با رقبای قهرمانی‌اند که نتیجه‌شان هم از نظر امتیازی و هم روانی تأثیر مضاعف دارد. از دست‌دادن امتیاز در این دو دیدار، سپاهان را از یک مدعی اصلی به تیمی تحت فشار تبدیل می‌کند که باید بیشتر به حفظ جایگاهش فکر کند تا حمله به صدر. از سوی دیگر، تجربه فصول گذشته نشان می‌دهد که محرم نویدک‌یا معمولاً تیمش را در نیم‌فصل دوم به اوج می‌رساند، اما تفاوت این فصل در قدرت و ثبات بیشتر رقابت‌س.

پرسپولیس، تراکتور و استقلال دیگر تیم‌های پرنوسان ابتدای فصل نیستند و منتظر لغزش مدعیان برای جهش نهایی‌اند. بنابراین سپاهان دیگر فرصت زیادی برای آزمون و خطا ندارد.

سید حسین حسینی با ثبت ۵۴۰ دقیقه کلین‌شیت، معادل ۶ بازی کامل ۹۰ دقیقه‌ای بدون دروازه‌بان فوتبال ایران تبدیل شده است. او در چهارچوب دروازه سپاهان عملکردی کم‌نقص داشته و این آمار نشان‌دهنده نشانه‌های جدی از بازگشت این گلر باتجربه به سطح اول فوتبال کشور است؛ سطحی که حسینی پیش از این نیز بارها توانایی حضور در آن را به نمایش گذاشته بود. حسینی فصل را با شرایطی نه‌چندان مطلوب آغاز کرد و در هفته‌های ابتدایی با افت نسبی مواجه بود. همین مسأله باعث شد جایگاه او در مقطعی توسط محمدرضا اخباری تهدید و حتی بحث نیمکت‌نشینی‌اش نیز مطرح شود. با این حال، واکنش حسینی به این شرایط کاملاً حرفه‌ای بود. او بدون حاشیه، با تمرکز بالا و تلاش مستمر در تمرینات، آرام‌آرام به فرم ایده‌آل بازگشت و بار دیگر اعتماد کادر فنی را به دست آورد. اکنون سیدحسین حسینی در ترکیب سپاهان به یک مهره کلیدی و تأثیرگذار تبدیل شده است؛ دروازه‌بانی که نه‌تنها با واکنش‌های مطمئن، بلکه با تجربه و رهبری خود به خط دفاعی آرامش می‌دهد.
تداوم کلین‌شیت‌ها نشان می‌دهد که او در کنار عملکرد عالی‌اش در دفاع، به عنوان یک دروازه‌بان اهمیت حیاتی دارد.این آمادگی در ماه‌های منتهی به جام جهانی فوتبال می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در آینده ملی حسینی داشته باشد. با توجه به رقابت فشرده میان دروازه‌بان‌ها، حسینی با این روند می‌تواند به یکی از گزینه‌های جدی حضور در فهرست نهایی تیم ملی تبدیل شود و حتی شانس بالایی برای سفر به جام جهانی داشته باشد.

آزادی به دربی می‌رسد؟

پرونده بازسازی ورزشگاه آزادی، مهم‌ترین مجموعه ورزشی کشور، همچنان یکی از حساس‌ترین موضوعات فوتبال ایران است؛ پروژه‌ای که با وجود وعده‌های متعدد، فراز و فرودهای زیادی را پشت سر گذاشته و حالا دوباره در کانون توجه قرار گرفته است. بازسازی فاز غربی ورزشگاه آزادی در فصل گذشته به پایان رسید، اما انتقادات گسترده نسبت به کیفیت و نحوه اجرای این بازسازی باعث شد با دستور وزیر ورزش، برخی مسابقات مهم لیگ برتر به‌صورت آزمایشی در این ورزشگاه برگزار شود. البته برگزاری همین مسابقات نیز بی‌حاشیه نبود و ایرادهایی از بخش‌های بازسازی‌شده مطرح شد. مسائلی که تردیدها درباره روند کلی پروژه را افزایش داد و همزمان با بروز این انتقادات، روند بازسازی در فازهای شمالی، جنوبی و شرقی ورزشگاه آزادی عملاً متوقف شد. شرکت توسعه و نگهداری اماکن ورزشی در موضع رسمی خود اعلام کرد برای تسریع در بازسازی کامل ورزشگاه و جلوگیری از اختلال در کار قرارگاه خاتمالانلیبا به‌عنوان مجری اصلی پروژه، بهتر است هیچ مسابقه‌ای در آزادی برگزار نشود. هدف از این تصمیم، پیشبرد بدون وقفه عملیات عمرانی و تحویل نهایی ورزشگاه تا پایان سال ۱۴۰۵ عنوان شد. این تصمیم اگرچه از نظر فنی قابل دفاع بود، اما در عمل تبعات سنگینی برای فوتبال ایران به همراه داشت. تیم ملی فوتبال ایران و دو تیم پرمه‌وادار استقلال و پرسپولیس ناچار شدند بپذیرند که حداقل تا سال آینده نمی‌توانند روی ورزشگاه آزادی به‌عنوان ورزشگاه خانگی حساب باز کنند.

آغاز فصل جدید لیگ برتر، در کنار کمبود چمن‌های استاندارد در تهران و حتی برخی شهرستان‌ها، فشار مضاعفی را بر وزارت ورزش و شرکت توسعه و تجهیز اماکن ورزشی وارد کرد و بار دیگر بحث بازگشت تدریجی مسابقات به آزادی را روی میز تصمیم‌گیران گذاشت. در همین راستا، با پیگیری‌های وزارت ورزش و محمدعلی ثابت‌قدم، رئیس شرکت توسعه و نگهداری اماکن ورزشی، تعداد کارگران فعال در پروژه افزایش یافت و شیفت‌های کاری نیز بیشتر شد تا روند بازسازی شتاب بگیرد. طبق تصاویر منتشر شده از آخرین وضعیت ورزشگاه، نصب سکوهای طبقه دوم ضلع شمالی به پایان رسیده و نصب سکوهای طبقه اول این ضلع نیز در حال انجام است.

در ضلع جنوبی ورزشگاه نیز حدود نیمی از سکو‌ها نصب شده و ادامه کار با سرعت در حال پیگیری است. علاوه بر این، در بخش جنوبی و در سمت جایگاه هواداران استقلال، دالانی در حال احداث است تا اتوبوس تیم‌ها در آن مستقر شود و ورود و خروج تیم‌ها با نظم و امنیت بیشتری انجام گیرد.

همزمان با این اقدامات، عملیات تخریب و بازسازی ضلع شرقی ورزشگاه نیز آغاز شده و به‌صورت موازی در حال انجام است. بر اساس برنامه‌ریزی فعلی و در صورت تداوم همین روند، پیش‌بینی می‌شود تا پایان اسفندماه سال‌جاری، عملیات بازسازی و مقاوم‌سازی سکو‌ها و همچنین نصب صندلی‌ها به اتمام برسد و ورزشگاه آزادی از نظر برگزاری مسابقات به شرایط قابل قبول برسد.

سناریوی قهرمانی با اوسمار یک سکانس پیش رفت

بعد از باخت در مارائن پنالتی‌ها در رختکن پرسپولیس، سکوت سایه سنگینی داشت و برخی بازیکنان بغض کرده بودند. در عین حال صدای جشن و پایکوبی تراکتوری‌ها می‌آمد و این بیشتر به ناراحتی و غصه آنها می‌رسید. در رختکن پرسپولیس هیچ‌کس حرفی نمی‌زد و همه به‌تازده بودند. محمد عمری که خودش پنالتی مهمی را از دست داد جزو ناراحت‌ترین بازیکنان بود چراکه در بین آنهایی که پنالتی خراب کردند جوان‌ترین بود و این اتفاق روی او تأثیر بیشتری گذاشته بود.

بعدتر در مسیر بازگشت به تهران برخی بازیکنان با حسرت از بردی که تا یک قدمی آن رفته و از دست داده بودند حرف می‌زدند. برخی بازیکنان پرسپولیس می‌گفتند، وقتی تیمی دو پنالتی جلو می‌افتد، قاعدتاً باید برنده باشد. در چنین شرایطی حسرت بازیکنان به‌خاطر از دست رفتن برد بیشتر به عذاب و غمی تبدیل شد که این رفتار برای بازیکنان می‌خوردند. کمتر ناراحت می‌شدند و عذاب می‌کشیدند. یکی از بازیکنان پرسپولیس اعتقاد داشت اگر باکیج پنالتی دوم را گل کرده بود احتمال اینکه سومین پنالتی‌زن تراکتور هم نتواند توبش را تبدیل به گل کند زیاد بود. این در حالی است که بعدتر اگر پنالتی عمری هم گل شده بود کار تمام بود و سرخ‌های تیرپوش دو بار برد را از کف دادند تا نگاه حسرت‌بار شاهد حذف از جامی باشند که در صورت عبور از تراکتور، رسیدن به آن چندان دشوار نبود.

رحمتی در مخمصه



عرفان حمیدی – شاگردان مهدی رحمتی در حالی نیم‌فصل دوم لیگ بیست‌وپنجم را با روندی ناپایدار آغاز کردند که انتظارات از آنها پس از درخشش شگفت‌انگیز در نیم‌فصل نخست بسیار بالا رفته بود.

شاگردان مهدی رحمتی در حالی نیم‌فصل دوم لیگ بیست‌وپنجم را با روندی ناپایدار آغاز کردند که انتظارات از آنها پس از درخشش شگفت‌انگیز در نیم‌فصل نخست بسیار بالا رفته بود.

خبیر خرم‌آباد که در نیمه نخست فصل چهره تیمی جسور، دودنه و بی‌پروا را از خود نشان داده بود، حالا در موقعیتی قرار گرفته که باید میان تداوم جاه‌طلبی و خطر افت در جدول، یکی را انتخاب کند. نیم‌فصل دوم برای خبیر با نشانه‌هایی از افت روحی و تاکتیکی همراه بوده است. رحمتی در ابتدای فصل با ترکیبی منسجم و سازمان‌یافته توانست برابر مدعیان نتایجی تاریخی کسب کند، اما خروج چند مهره کلیدی در نقل‌وانتقالات تابستانه، توازن تاکتیکی تیم را برهم زد. بازیکنانی نظیر علی آزادمنش، صادق آلبوصیبح و طاهرخانی در ساختار میانی و فاز تهاجمی نقشی تعیین‌کننده داشتند و حالا نبودشان سبب شده تا خبیر در فاز مالکیت توپ و سرعت انتقال از دفاع به حمله با مشکل مواجه شود. از سوی دیگر، تنها جذب موفق خبیر یعنی امیرمحمد نسایی هنوز نتوانسته نقش بازیکنان جداشده را جبران کند.

همین موضوع موجب شده که عمق ترکیب تیم کاهش یابد و کادرفنی در لحظات حساسی از مسابقات گزینه‌های کمتری برای تغییر روند بازی در اختیار داشته باشد. خبیر تیمی بود که در نیم‌فصل نخست از کامبک زدن آن به‌عنوان نشانه‌ای از انگیزه بالا یاد می‌شد، اما حالا در نیم‌فصل دوم در همان موقعیت‌ها کامبک می‌خورد؛ اتفاقی که به‌روشنی از افت تمرکز و ناهمخوانی درون تیمی حکایت دارد. با این حال، همه نشانه‌ها منفی نیستند. خبیر همچنان از امتیاز نظم دفاعی و بازی فشرده برخوردار است و اگر رحمتی بتواند با ترمیم ساختار روانی تیم و بازتعریف نقش‌ها در میانه میدان، ضربه‌انگش تیم را به نیم‌فصل نخست نزدیک کند، بازگشت به مسیر موفقیت چندان دور از ذهن نخواهد بود.

مدار پیش‌رو برابر فجرسپاسی می‌تواند نقطه‌ای تعیین‌کننده در ترسیم آینده لرتباران باشد چراکه پیروزی در شیراز نه‌تنها از لحاظ روحی اهمیت دارد، بلکه می‌تواند روند نزولی هفته‌های اخیر را متوقف کند و بار دیگر اعتمادبه‌نفس را به اردو بازگرداند. در صورت تداوم همین روند ناپایدار، خبیر ممکن است از میانه‌های

فصل دوم لیگ بیست‌وپنجم را با روندی ناپایدار آغاز کردند که انتظارات از آنها پس از درخشش شگفت‌انگیز در نیم‌فصل نخست بسیار بالا رفته بود.

سید حسین حسینی با ثبت ۵۴۰ دقیقه کلین‌شیت، معادل ۶ بازی کامل ۹۰ دقیقه‌ای بدون دروازه‌بان فوتبال ایران تبدیل شده است. او در چهارچوب دروازه سپاهان عملکردی کم‌نقص داشته و این آمار نشان‌دهنده نشانه‌های جدی از بازگشت این گلر باتجربه به سطح اول فوتبال کشور است؛ سطحی که حسینی پیش از این نیز بارها توانایی حضور در آن را به نمایش گذاشته بود. حسینی فصل را با شرایطی نه‌چندان مطلوب آغاز کرد و در هفته‌های ابتدایی با افت نسبی مواجه بود. همین مسأله باعث شد جایگاه او در مقطعی توسط محمدرضا اخباری تهدید و حتی بحث نیمکت‌نشینی‌اش نیز مطرح شود. با این حال، واکنش حسینی به این شرایط کاملاً حرفه‌ای بود. او بدون حاشیه، با تمرکز بالا و تلاش مستمر در تمرینات، آرام‌آرام به فرم ایده‌آل بازگشت و بار دیگر اعتماد کادر فنی را به دست آورد. اکنون سیدحسین حسینی در ترکیب سپاهان به یک مهره کلیدی و تأثیرگذار تبدیل شده است؛ دروازه‌بانی که نه‌تنها با واکنش‌های مطمئن، بلکه با تجربه و رهبری خود به خط دفاعی آرامش می‌دهد.
تداوم کلین‌شیت‌ها نشان می‌دهد که او در کنار عملکرد عالی‌اش در دفاع، به عنوان یک دروازه‌بان اهمیت حیاتی دارد.این آمادگی در ماه‌های منتهی به جام جهانی فوتبال می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در آینده ملی حسینی داشته باشد. با توجه به رقابت فشرده میان دروازه‌بان‌ها، حسینی با این روند می‌تواند به یکی از گزینه‌های جدی حضور در فهرست نهایی تیم ملی تبدیل شود و حتی شانس بالایی برای سفر به جام جهانی داشته باشد.

جلسه هیأت رئیسه، جدال با رونالدو را نهایی می‌کند

پس از مشخص شدن گروه ایران در جام جهانی ۲۰۲۶، شایعات پیرامون بازی‌های تدارکاتی پیش‌رو تیم ملی پیش از جام جهانی ۲۰۲۶ آغاز شد. برخی از منابع و رسانه‌ها، خبر از تقابل با اسپانیا در قطر در ماه فروردین دادند و رئیس فدراسیون فوتبال در یک گفت‌وگوی تلویزیونی به نام تیم‌هایی دسار کرد که می‌توانند رقیب ایران پیش از جام جهانی ۲۰۲۶ باشند.

طبق گزارشی که پیش از این در روزنامه ایران ورزشی به‌طور اختصاصی منتشر کرده بودیم، کادرفنی تیم ملی ایران برای بازی‌های ملی ماه فروردین، تیم اسکاتلند را به‌عنوان یک شیه‌ساز برای اولین بازی مقابل نیوزیلند در نظر گرفته است و همچنین یکی از دو تیم الجزایر و تونس، برای شبیه‌سازی با تیم ملی مصر در نظر گرفته شده که شانس تقابل با تونس تا این لحظه، بیشتر از الجزایر است.

همچنین برای بازی‌های پیش از جام جهانی که در احتمال قوی در کشور میزبان مسابقات یعنی آمریکا برگزار خواهد شد، ایران فرصت برگزاری ۲ یا ۳ بازی تدارکاتی را دارد که طبق شنیده‌ها، گزینه اصلی ایران برای یکی از این بازی‌ها تیم ملی پرتغال خواهد بود که طبیعتاً، باکیفیت‌ترین بازی تدارکاتی تیم ملی پیش از جام جهانی در دوره‌های اخیر را رقم می‌زند. با وجود این شایعات اما تا این لحظه، هیچ مسابقه تدارکاتی‌ای برای ایران قطعی نشده و هنوز مشخص نیست که کدام تیم‌ها قرار است پیش از جام جهانی با تیم ملی فوتبال کشورمان دیدار کنند. طبق تماس و گفت‌وگوی کوتاهی که با حجت کریمی مدیرعامل سابق باشگاه استقلال و عضو هیأت رئیسه فدراسیون فوتبال داشتیم، مشخص شد که هنوز دیدارهای تدارکاتی تیم ملی به قطعیت نرسیده‌اند و قرار شده تا هفته آینده در جلسه‌ای با حضور اعضای هیأت رئیسه فدراسیون فوتبال، جزئیات برگزاری بازی‌های تدارکاتی تیم ملی نهایی شود.

قرار شده تا در این جلسات، بودجه لازم برای برگزاری بازی‌های تدارکاتی، محل برگزاری مسابقات و شرایط مذاکره با فدراسیون‌های خارجی به بحث گذاشته شود. ضمن اینکه از زمان سفر مهدی تاج رئیس فدراسیون فوتبال به قطر و حضور او در نشست شورای فیفا، هیأت رئیسه فدراسیون فوتبال جلسه‌ای تشکیل نداده و در جلسه هفته آینده، راجع به صحبت‌های تاج با اینفانتینو، مسأله صدور روادید بازیکنان تیم ملی و البته نامگذاری حساسیت‌برانگیز دیدار ایران مقابل مصر نیز صحبت‌هایی انجام شود. تاکنون نام‌هایی که برای بازی‌های دوستانه پیش از جام جهانی مطرح شده‌اند، نام‌های خوب و قابل اتکایی به نظر می‌رسند و اکثر این تیم‌ها، در جام جهانی ۲۰۲۶ حاضر خواهند بود اما مطالبه عمومی مردم در شرایط فعلی، نهایی شدن این بازی‌های تدارکاتی پیش از جام جهانی است. این در حالی است که اکثر تیم‌های آسیا، آفریقا و اروپا در حال نهایی کردن برنامه تدارکاتی خود پیش از جام جهانی هستند. در حال حاضر تیم‌هایی مانند آلمان، پرتغال، بلژیک، مکزیک، آمریکا، کرواسی، برزیل، اسپانیا، کلمبیا و آرژانتین، تکلیف خود در وقفه بازی‌های ملی ماه فروردین را می‌دانند و اگر فدراسیون فوتبال در این زمینه سرعت عمل بالایی نداشته باشد، ممکن است فرصت رقم خوردن بازی‌های تدارکاتی خوب از بین برود.

اتوبوس پرسپولیس با تدبیر مدیران تیم و به‌خاطر ترس از ترافیک مسیر منتهی به ورزشگاه خیلی زود به استادیوم رسید. در شرایطی که قرار بود بازی ساعت ۱۶:۱۵ شروع شود و قانون فیفا می‌گوید تیم‌ها ۹۰ دقیقه قبل از بازی در ورزشگاه حاضر باشند کاروان پرسپولیس دو ساعت قبل از مسابقه وارد ورزشگاه شد. نکته عجیب اینجاست که فحاشی به اعضای تیم پرسپولیس از همان زمان حتی قبل از اینکه اعضای تیم برای گرم کردن وارد زمین چمن شوند آغاز شده بود. بیشترین و بدترین فحاشی‌ها به افسین پیروانی مدیر تیم و امید عالیشاه کاپیتان سرخ‌ها صورت گرفت آن هم در حالی که عالیشاه اصلاً به‌خاطر محرومیت به تبریز رفته بود. عالیشاه بعد از آن مسابقه جنجالی یادگار که نیمه‌تمام ماند به‌خاطر شوت کردن توپ ناشی از خشمش مورد نفرت هواداران تراکتور قرار گرفته و با اینکه در سه مسابقه اخیر مقابل این تیم حاضر نبوده اما همچنان شعارهای عصبی علیه او در ورزشگاه تیریز سر داده می‌شود.

شعارها علیه پیروانی و عالیشاه گسترده‌گی عجیبی هم داشت به‌طوری که یک طرف سکو‌ها چیزی می‌گفتند و طرف دیگر پاسخ می‌دادند. در واقع شعار علیه کریم باقری که به زبان آذری مطرح شده و البته واکنش‌های بسیاری برانگیخت چنین حجم و گسترده‌گی نداشت اما با توجه به تعداد شعاردهندگان علیه پیروانی و عالیشاه و دفاعتی که علیه آنان شده سر داده شد این

حسرت و سکوت در رختکن پرسپولیس

